

ارائه مدل علی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر هویت و استقلال روان‌شناختی نوجوانان با نقش میانجی‌گری خودکارآمدی

گلنسا زمانی^{۱*}، احمد یوسفی نژاد^۲

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

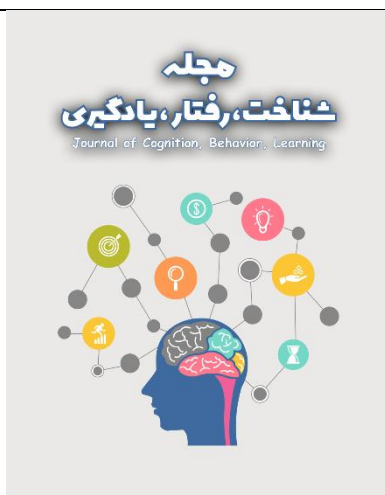
* ایمیل نویسنده مسئول: zam.goli402@gmail.com

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۲/۱۸



شیوه استناددهی: زمانی، گلنسا، و یوسفی نژاد احمد. (۱۴۰۵). ارائه مدل علی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر هویت و استقلال روان‌شناختی نوجوانان با نقش میانجی‌گری خودکارآمدی. *شناخت، رفتار، یادگیری*، ۳(۶)، ۱-۲۲.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آزمون مدل علی تأثیر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بر سبک‌های هویت و جدایی روان‌شناختی نوجوانان با برر سی نقش میانجی خودکارآمدی عمومی و جدایی روان‌شناختی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدل سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های هفتم تا دوازدهم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود. در مجموع ۲۹۰ پرسشنامه با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای طبقه‌بندی شده توزیع شد و پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش، داده‌های ۲۶۳ دانش‌آموز تحلیل شد. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس فرزندپروری ادراک‌شده گروولنیک و همکاران، مقیاس خودکارآمدی عمومی شوارزر و جروسالم، پرسشنامه جدایی روان‌شناختی هافمن و پرسشنامه سبک هویت برزونسکی بود. داده‌ها با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری و بوتاسترپ با ۵۰۰۰ باز نمونه تحلیل شدند. مدل ساختاری از برازش مطلوبی برخوردار بود ($\chi^2/df = 1.266$ ، $CFI = 0.978$ ، $TLI = 0.974$ ، $RMSEA = 0.032$ ، $SRMR = 0.050$). سبک فرزندپروری ادراک‌شده اثر مثبت و معناداری بر خودکارآمدی ($\beta = 0.376$ ، $p < 0.001$)، جدایی روان‌شناختی ($\beta = 0.482$ ، $p < 0.001$) و سبک‌های هویت ($\beta = 0.349$ ، $p < 0.001$) داشت. همچنین، خودکارآمدی ($\beta = 0.173$ ، $p = 0.0014$) و جدایی روان‌شناختی ($\beta = 0.194$ ، $p = 0.0011$) به‌طور مثبت و معناداری سبک‌های هویت را پیش‌بینی کردند. اثر غیرمستقیم فرزندپروری بر سبک‌های هویت از طریق خودکارآمدی ($\beta = 0.065$ ، $p = 0.040$) و جدایی روان‌شناختی ($\beta = 0.093$ ، $p = 0.020$) نیز معنادار بود. سبک‌های فرزندپروری حمایت‌کننده از خودمختاری، گرم و درگیرانه می‌توانند به‌طور مستقیم و از طریق تقویت خودکارآمدی و تسهیل جدایی روان‌شناختی سالم، فرایند شکل‌گیری هویت نوجوانان را بهبود بخشند. بنابراین، مداخلات خانواده‌محور و مدرسه‌محور با تأکید بر خودمختاری، شایستگی و تفرد سالم می‌توانند در ارتقای رشد روان‌شناختی نوجوانان مؤثر باشند.

کلیدواژه‌گان: سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، خودکارآمدی عمومی، سبک‌های هویت، جدایی روان‌شناختی، نوجوانان، مدل سازی معادلات ساختاری.

Cognition, Behavior, Learning

A Causal Model of the Effects of Parenting Styles on Adolescents' Identity and Psychological Independence: The Mediating Role of Self-Efficacy

Golnasa Zamani^{1*}, Ahmad Usefynezhad²

1. Master's degree, Department of Psychology and Educational Sciences, S.R.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

*Corresponding Author's Email: zamgoli402@gmail.com

Submit Date: 2026-05-08

Revise Date: 2026-08-07

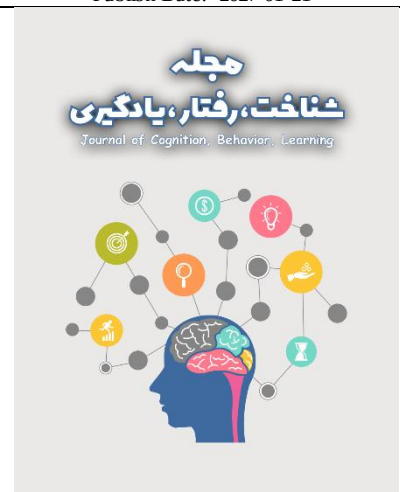
Accept Date: 2026-08-19

Publish Date: 2027-01-21

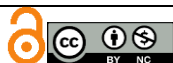
Abstract

This study aimed to test a causal model of the effects of perceived parenting styles on adolescents' identity styles and psychological separation, with particular emphasis on the mediating roles of general self-efficacy and psychological separation. This descriptive-correlational study employed structural equation modeling. The statistical population consisted of male and female students in Grades 7–12 in Tehran during the 2025–2026 academic year. Using stratified multistage cluster sampling, 290 questionnaires were distributed; after excluding incomplete or invalid responses, data from 263 students were analyzed. Measures included the Perceived Parenting Scale developed by Grolnick et al., the General Self-Efficacy Scale developed by Schwarzer and Jerusalem, Hoffman's Psychological Separation Inventory, and Berzonsky's Identity Style Inventory. Structural equation modeling was used to test the hypothesized relationships, and indirect effects were examined using bootstrapping with 5,000 resamples. The structural model demonstrated an excellent fit to the data ($\chi^2/df=1.266$, CFI=0.978, TLI=0.974, RMSEA=0.032, SRMR=0.050). Perceived parenting had significant positive effects on general self-efficacy ($\beta=0.376$, $p<0.001$), psychological separation ($\beta=0.482$, $p<0.001$), and identity styles ($\beta=0.349$, $p<0.001$). General self-efficacy ($\beta=0.173$, $p=0.014$) and psychological separation ($\beta=0.194$, $p=0.011$) also significantly and positively predicted identity styles. Bootstrapping further indicated significant indirect effects of perceived parenting on identity styles through general self-efficacy ($\beta=0.065$, $p=0.040$) and psychological separation ($\beta=0.093$, $p=0.020$). Autonomy-supportive, warm, and involved parenting may facilitate adaptive identity development both directly and indirectly by strengthening adolescents' self-efficacy and promoting healthy psychological separation. Family- and school-based interventions emphasizing autonomy support, competence, and healthy individuation may therefore enhance adolescents' psychological development.

Keywords: *Perceived parenting styles, general self-efficacy, identity styles, psychological separation, adolescents, structural equation modeling.*



How to cite: Zamani, G., Usefynezhad, A. (2027). A Causal Model of the Effects of Parenting Styles on Adolescents' Identity and Psychological Independence: The Mediating Role of Self-Efficacy. *Cognition, Behavior, Learning*, 3(6), 1-22.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

دوره نوجوانی یکی از حساس‌ترین مراحل تحول انسان است که در آن تغییرات گسترده زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی به‌صورت هم‌زمان رخ می‌دهند و فرد را با مجموعه‌ای از تکالیف تحولی جدید مواجه می‌سازند. نوجوان در این دوره باید ضمن بازتعریف رابطه خود با خانواده، تصویری منسجم‌تر از خویش‌نمایی ایجاد کند، توان تصمیم‌گیری مستقل را گسترش دهد و به تدریج مسئولیت بیشتری برای انتخاب‌های شخصی، تحصیلی و اجتماعی خود بپذیرد. در چنین بستری، دو فرایند «هویت‌یابی» و «استقلال یا جدایی روان‌شناختی» به‌عنوان دو مؤلفه بنیادین رشد سالم نوجوانی مطرح می‌شوند. شکل‌گیری هویت به نوجوان امکان می‌دهد تا درباره ارزش‌ها، اهداف، نقش‌ها و جهت‌گیری‌های آینده خود به انسجام برسد، در حالی که استقلال روان‌شناختی به توانایی او برای تجربه خودمختاری، تصمیم‌گیری مستقل و حفظ مرزهای روان‌شناختی سالم در عین تداوم پیوند عاطفی با والدین اشاره دارد. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که این دو فرایند مستقل از محیط اجتماعی شکل نمی‌گیرند، بلکه در تعامل مستمر با الگوهای ارتباطی خانواده، میزان حمایت از خودمختاری، سطح کنترل والدینی و منابع روان‌شناختی درون‌فردی نوجوان تکوین می‌یابند (Albert Sznitman et al., 2019; Mousavi et al., 2024; Soenens et al., 2017).

خانواده نخستین و پایدارترین بافت اجتماعی است که در آن نوجوان شیوه‌های ارتباطی، نحوه تصمیم‌گیری، خودآرزیایی و تنظیم روابط بین‌فردی را می‌آموزد. از این منظر، سبک‌های فرزندپروری را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از رفتارهای عینی والدین دانست، بلکه آنچه برای پیامدهای تحولی نوجوان اهمیت دارد، نحوه ادراک و تفسیر او از این رفتارهاست. نوجوان ممکن است یک رفتار والدینی را به‌عنوان حمایت، مراقبت و هدایت تجربه کند، در حالی که نوجوان دیگری همان رفتار را نوعی مداخله، محدودسازی یا کنترل روان‌شناختی تلقی نماید. بنابراین، ادراک نوجوان از حمایت والدینی، گرمی، درگیری و کنترل، نقش مهمی در شکل‌گیری احساس خودمختاری و شایستگی وی دارد. رویکردهای جدید به اجتماعی‌شدن نیز بر عاملیت نوجوان تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که اثر والدگری از طریق آرزایی‌های شناختی و پاسخ‌های رفتاری خود نوجوان شکل می‌گیرد، نه از طریق انتقال یک‌سویه تأثیر از والد به فرزند (Soenens & B, 2020, 2025). این دیدگاه پویا سبب شده است که مطالعه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده به یکی از محورهای اصلی پژوهش درباره هویت، استقلال و سازگاری روان‌شناختی نوجوانان تبدیل شود.

یکی از ابعاد مهم والدگری در دوره نوجوانی، حمایت از خودمختاری است. حمایت از خودمختاری زمانی تحقق می‌یابد که والدین دیدگاه نوجوان را به رسمیت بشناسند، دلایل قواعد و محدودیت‌ها را توضیح دهند، فرصت انتخاب متناسب با سن فراهم کنند و بدون استفاده از اجبار، شرم، تهدید یا ایجاد احساس گناه، نوجوان را در مسیر تصمیم‌گیری هدایت نمایند. چنین شیوه‌ای با تجربه درونی اراده، اصالت و احساس مالکیت بر رفتار ارتباط دارد. شواهد نشان داده‌اند که والدگری حمایت‌کننده از خودمختاری می‌تواند با پیامدهای تحولی مطلوب‌تری در نوجوانی همراه باشد و در فرهنگ‌های مختلف نیز، علی‌رغم تفاوت‌های ارزشی، احساس خودمختاری یکی از مؤلفه‌های مهم سازگاری محسوب می‌شود (Benito-Gomez et al., 2020; Ma et al., 2025). همچنین الگوهای طولی نشان داده‌اند که پروفایل‌های والدگری مبتنی بر حمایت از خودمختاری در مقایسه با الگوهای کنترل‌گرانه، با رشد روان‌شناختی و تحصیلی مطلوب‌تری همراه هستند (Teuber et al., 2022). در مقابل، کنترل شدید والدینی، کنترل روان‌شناختی و نظارت مفرط می‌توانند فرصت تجربه تصمیم‌گیری مستقل و آزمون توانمندی‌های شخصی را محدود سازند.

در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای نیز به اشکال مفرط درگیری والدینی، از جمله فرزندپروری هلیکوپتری، معطوف شده است. در این سبک، والدین با وجود انگیزه حمایتی، بیش از حد در تصمیم‌ها، مشکلات و تجارب روزمره فرزند مداخله می‌کنند و به‌طور ناخواسته فرصت تجربه استقلال، مسئولیت‌پذیری و حل مسئله را از او می‌گیرند. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که این نوع والدگری می‌تواند با کاهش بهزیستی روان‌شناختی و مشکلاتی در خودمختاری و رشد مستقل فرزندان مرتبط باشد (Ahmed & F. L., 2023; Oad et al., 2023). همچنین پژوهش‌های جدید درباره کنترل ادراک‌شده والدینی تأکید می‌کنند که کنترل افراطی می‌تواند در فرایند هویت‌یابی نوجوانان و جوانان اختلال

ایجاد کند و آن‌ها را در دستیابی به تعریفی مستقل و منسجم از خود با دشواری مواجه سازد (Ghosh & K, 2026). این مسئله به‌ویژه در دوره‌ای اهمیت می‌یابد که نوجوان نیاز دارد میان وابستگی عاطفی به خانواده و استقلال روان‌شناختی خود تعادل برقرار کند.

استقلال روان‌شناختی در نوجوانی به معنای قطع رابطه با والدین یا طرد پیوندهای خانوادگی نیست، بلکه بیشتر به توانایی نوجوان برای عمل کردن بر اساس انتخاب‌های درونی، ایجاد مرزهای روانی سالم و حفظ ارتباط عاطفی در عین خودفرمانی اشاره دارد. تمایز میان استقلال، جدایی و خودمختاری از نظر مفهومی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نوجوان ممکن است از لحاظ رفتاری مستقل باشد اما تصمیم‌های خود را تحت فشار یا برای اجتناب از تعارض اتخاذ کند، یا برعکس، در عین وابستگی عملی به خانواده، احساس کند که انتخاب‌های وی از اراده شخصی ناشی می‌شوند. چارچوب‌های معاصر خودمختاری بر این نکته تأکید دارند که رشد سالم زمانی رخ می‌دهد که استقلال با پیوندجویی و احساس تعلق همراه باشد (Soenens et al., 2017). شواهد بین‌فرهنگی نیز نشان می‌دهند که شیوه‌های والدگری با احساس خودمختاری نوجوانان ارتباط دارند، هرچند ماهیت این ارتباط می‌تواند با توجه به ارزش‌های فرهنگی متفاوت باشد (Ma et al., 2025). در بافت‌های خانوادگی که روابط نزدیک و وابستگی متقابل اهمیت زیادی دارند، مفهوم «خودمختاری در عین ارتباط» می‌تواند توصیف دقیق‌تری از تفرد سالم نوجوان باشد. یافته‌های تجربی از ارتباط سبک‌های فرزندپروری با استقلال نوجوانان حمایت کرده‌اند. برای مثال، بررسی تأثیر سبک‌های والدگری بر استقلال نوجوانان نشان داده است که شیوه‌های حمایت‌کننده و مشارکتی می‌توانند فرصت بیشتری برای تصمیم‌گیری و عملکرد مستقل نوجوان ایجاد کنند (Suryani & Y, 2024). همچنین روابط میان ساختار قدرت خانواده، سبک‌های فرزندپروری و خودمختاری هیجانی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که کیفیت رابطه والد-نوجوان می‌تواند چگونگی انتقال اثر ساختار خانواده به استقلال عاطفی را توضیح دهد (Mousavi et al., 2024). بنابراین، استقلال روان‌شناختی را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای مستقیم فضای ارتباطی خانواده دانست که در ادامه ممکن است به فرایندهای دیگری همچون شکل‌گیری هویت نیز جهت دهد.

هویت نیز در دوره نوجوانی ماهیتی فرایندی دارد و تنها به پاسخ ثابت به پرسش «من کیستم؟» محدود نمی‌شود. نوجوانان در مسیر هویت‌یابی، اطلاعات مربوط به خود، آینده، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی را به شیوه‌های متفاوت پردازش می‌کنند. برخی به‌صورت فعالانه گزینه‌های مختلف را بررسی و ارزیابی می‌کنند، برخی بیشتر به هنجارها و انتظارات افراد مهم متکی می‌شوند و گروهی نیز تصمیم‌گیری‌های مرتبط با هویت را به تعویق می‌اندازند یا از مواجهه فعال با آن‌ها اجتناب می‌کنند. این تفاوت‌ها در قالب سبک‌های هویت قابل مطالعه هستند و از شرایط اجتماعی‌شدن خانوادگی تأثیر می‌پذیرند. نتایج مطالعات انجام‌شده در میان دانش‌آموزان نشان داده است که انواع سبک‌های فرزندپروری با شیوه‌های متفاوت رشد و پردازش هویت ارتباط دارند (Jimoh et al., 2020). همچنین رابطه معنادار میان سبک‌های فرزندپروری و تحول هویت نوجوانان در مطالعات دیگر نیز گزارش شده است (Ibad et al., 2023). در نتیجه، خانواده می‌تواند با فراهم ساختن یا محدود کردن فرصت‌های اکتشاف و تصمیم‌گیری، جهت‌گیری نوجوان در پردازش اطلاعات هویتی را تحت تأثیر قرار دهد.

اهمیت خانواده در تحول هویت تنها به رفتار یک والد محدود نمی‌شود، بلکه الگوهای هم‌والدگری و کیفیت مشارکت پدر و مادر نیز می‌تواند بر فرایندهای هویتی نوجوان تأثیر بگذارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فرایندهای والدگری و هم‌والدگری با نحوه شکل‌گیری هویت شخصی نوجوانان ارتباط دارند و محیط خانوادگی منسجم‌تر می‌تواند زمینه مساعدتری برای کاوش و تعهد هویتی ایجاد کند (Albert Sznitman et al., 2019). از این منظر، ادراک نوجوان از گرمی، درگیری و حمایت از خودمختاری والدین ممکن است نوعی فضای روان‌شناختی ایجاد کند که در آن نوجوان می‌تواند بدون ترس از طرد شدن یا از دست دادن حمایت، دیدگاه‌ها و انتخاب‌های مختلف را آزمایش کند. برعکس، کنترل افراطی می‌تواند او را به پذیرش منفعلانه هنجارهای خانوادگی یا اجتناب از تصمیم‌گیری‌های هویتی سوق دهد (Ghosh & K, 2026). با این حال، اثر سبک‌های فرزندپروری بر پیامدهای تحولی نوجوان احتمالاً صرفاً مستقیم نیست و بخشی از آن از طریق منابع شناختی و انگیزشی درونی نوجوان منتقل می‌شود. در این میان، خودکارآمدی یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی است که می‌تواند این نقش واسطه‌ای را ایفا کند. خودکارآمدی به باور فرد درباره توانایی خود برای سازمان‌دهی و اجرای اقدامات لازم در مواجهه با چالش‌ها اشاره دارد. نوجوانی که خود

را توانمند و مؤثر می‌داند، با احتمال بیشتری مسئولیت تصمیم‌های خود را می‌پذیرد، در برابر مشکلات پایداری نشان می‌دهد و در شرایط مبهم به جای اجتناب، به حل مسئله فعالانه روی می‌آورد. پژوهش‌های مربوط به عملکرد تحصیلی نیز نشان داده‌اند که خودکارآمدی، انگیزش و حمایت ادراک‌شده از نیازهای روان‌شناختی، مجموعه‌ای درهم‌تنیده از عوامل مؤثر بر سازگاری و عملکرد دانش‌آموزان هستند (Basileo et al., 2024). از این رو، خودکارآمدی می‌تواند سازوکاری باشد که حمایت محیطی خانواده را به رفتار خودراهبر و رشد روان‌شناختی تبدیل کند.

شواهد متعددی نشان داده‌اند که شیوه‌های والدگری با سطح خودکارآمدی نوجوانان ارتباط دارند. ادراک حمایت از خودمختاری و درگیری والدینی با پیامدهای مطلوب‌تر در خودکارآمدی نوجوان همراه بوده است (Miller, 2019). همچنین سبک‌های والدگری قادرند خودکارآمدی و بهزیستی ذهنی نوجوانان را پیش‌بینی کنند (Pavicevic & M. S, 2021). پژوهش‌های جدیدتر نیز نشان داده‌اند که سبک والدگری در کنار خودکارآمدی و انگیزش می‌تواند در تاب‌آوری تحصیلی نوجوانان نقش داشته باشد (Shengyao et al., 2024). در مقابل، والدگری منفی با اختلال در تنظیم هیجان، کاهش خودکارآمدی در تنظیم هیجان و پیامدهای ناسازگارانه روان‌شناختی مرتبط شناخته شده است (Di et al., 2022). بنابراین، به نظر می‌رسد کیفیت رفتار والدین یکی از منابع اجتماعی مهم در شکل‌گیری ارزیابی نوجوان از توانایی‌های خود باشد.

نقش میانجی خودکارآمدی در انتقال اثرات والدگری نیز در مطالعات مختلف تأیید شده است. برای نمونه، در پژوهشی درباره والدگری مقتدرانه و موفقیت تحصیلی، بخشی از اثر والدگری از طریق خودکارآمدی و قصد دستیابی به نمرات مطلوب منتقل شد (Hayek et al., 2022). همچنین اعطای خودمختاری از سوی والدین با رضایت از زندگی نوجوانان مرتبط بوده و خودکارآمدی هیجانی در این ارتباط نقش واسطه‌ای داشته است (Bi et al., 2022). یافته‌های اخیر درباره نوجوانان نیز نشان داده‌اند که خودکارآمدی می‌تواند بخشی از مسیر ارتباط میان سبک والدگری و مشکلات بین‌فردی را توضیح دهد (Zhang et al., 2026). این نتایج نشان می‌دهند که سبک‌های فرزندپروری از طریق شکل‌دهی به احساس توانمندی، کنترل و شایستگی، می‌توانند مجموعه گسترده‌ای از پیامدهای تحولی را تحت تأثیر قرار دهند. خودکارآمدی از سوی دیگر می‌تواند با رشد هویت ارتباط مستقیم داشته باشد. هویت‌یابی مستلزم ارزیابی گزینه‌ها، تصمیم‌گیری، پذیرش مسئولیت انتخاب‌ها و تحمل ابهام است؛ مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که بدون باور کافی به توانایی شخصی دشوار خواهند بود. در حوزه هویت شغلی، ارتباط میان خودکارآمدی تصمیم‌گیری و ابعاد هویت حرفه‌ای گزارش شده است (Turda, 2024). همچنین پژوهش بر کودکان و نوجوانانی که از مراقبت خارج از خانواده خارج می‌شوند نشان داده است که خودکارآمدی و عزت‌نفس با هویت شغلی آنان پیوند دارند (Lee & H, 2024). در گروه‌های اقلیت نیز خودکارآمدی عمومی همراه با حمایت اجتماعی با فرایندهای مرتبط با هویت ارتباط نشان داده است (Lai et al., 2022). این شواهد مؤید آن هستند که باور فرد به قابلیت‌های خود می‌تواند ظرفیت وی را برای کاوش، تصمیم‌گیری و تعهد هویتی افزایش دهد.

از دیدگاه نظری، پیوند میان فرزندپروری، خودکارآمدی، استقلال روان‌شناختی و هویت را می‌توان با ادغام منطق نظریه خودتعیین‌گری و رویکرد شناختی-اجتماعی تبیین کرد. در چارچوب نیازهای بنیادین روان‌شناختی، محیط‌هایی که نیاز فرد به خودمختاری، شایستگی و ارتباط را حمایت می‌کنند، زمینه بیشتری برای انگیزش درونی و سازگاری فراهم می‌آورند. پژوهش درباره ابعاد مختلف فرزندپروری و سازگاری نوجوانان نشان داده است که ارضای نیازهای روان‌شناختی می‌تواند بخشی از اثر سبک‌های والدگری بر سازگاری را میانجی‌گری کند (Costa et al., 2019). در همین راستا، حمایت ادراک‌شده از خودمختاری با پایداری رفتار نوجوان و ارضای نیازهای روان‌شناختی ارتباط دارد (Li et al., 2025). هنگامی که نوجوان در خانواده احساس می‌کند صدای او شنیده می‌شود، انتخاب‌هایش معتبرند و می‌تواند به‌طور مستقل عمل کند، هم احساس شایستگی بیشتری شکل می‌گیرد و هم امکان تجربه استقلال سالم فراهم می‌شود.

این الگوی تحولی همچنین می‌تواند توضیح دهد که چرا جدایی روان‌شناختی ممکن است علاوه بر اینکه پیامدی از والدگری است، در مسیر شکل‌گیری هویت نیز نقش واسطه‌ای داشته باشد. نوجوانی که توانسته است مرزهای عاطفی، نگرشی و رفتاری سالمی با والدین ایجاد کند، برای بررسی انتقادی باورها و ارزش‌های خانوادگی آزادی روان‌شناختی بیشتری دارد. در مقابل، نوجوانی که همچنان در روابطی مبتنی بر وابستگی افراطی یا کنترل شدید قرار دارد، ممکن است برای حفظ پذیرش خانوادگی از کاوش مستقلانه اجتناب کند. بنابراین، استقلال روان‌شناختی می‌تواند شرایط ساختاری لازم برای پردازش مستقل اطلاعات هویتی را فراهم سازد. پژوهش‌های مرتبط با استقلال نوجوان و سبک‌های فرزندپروری نیز از این فرض حمایت کرده‌اند (Mousavi et al., 2024; Suryani & Y, 2024). نگاه پویا به والدگری نیز نشان می‌دهد که فرایند حمایت و کنترل در طول زمان متقابلاً با واکنش‌های نوجوان شکل می‌گیرد و همین پویایی می‌تواند بر مسیر استقلال و هویت اثرگذار باشد (Soenens & B, 2025).

مطالعه این روابط در بافت‌های فرهنگی غیرغربی اهمیت مضاعفی دارد. بسیاری از نظریه‌های اولیه استقلال نوجوان بر تجربه‌های جوامع فردگرا استوار بوده‌اند، در حالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، حفظ پیوند با خانواده و احترام به والدین ممکن است هم‌زمان با رشد خودمختاری شخصی ادامه یابد. پژوهش‌های بین‌فرهنگی نشان داده‌اند که اشکال حمایت از خودمختاری در بسترهای فرهنگی متفاوت ممکن است نمودهای رفتاری متفاوتی داشته باشند، اما تجربه اراده و انتخاب همچنان برای سازگاری نوجوان اهمیت دارد (Benito-Gomez et al., 2020; Ma et al., 2025). همچنین بررسی‌های انجام‌شده در جوامع آسیایی و منطقه‌ای درباره فرزندپروری هلیکوپتری و کنترل والدینی نشان می‌دهند که مداخله بیش از حد می‌تواند حتی در فرهنگ‌هایی با تأکید بیشتر بر وابستگی خانوادگی، پیامدهای نامطلوبی برای رشد استقلال داشته باشد (Ahmed & F. L, 2023; Oad et al., 2023). از این‌رو، بررسی مدل روابط فرزندپروری، خودکارآمدی، استقلال و هویت در نوجوانان ایرانی می‌تواند به فهم دقیق‌تر این سازوکارها در یک بافت اجتماعی و فرهنگی در حال گذار کمک کند.

با وجود گسترش پژوهش‌ها در این حوزه، چند خلأ قابل توجه باقی مانده است. نخست، بخش قابل توجهی از مطالعات، سبک‌های فرزندپروری را تنها در ارتباط با یک پیامد مانند هویت، استقلال، خودکارآمدی یا سازگاری بررسی کرده‌اند (Ibad et al., 2023; Jimoh et al., 2021; Pavicevic & M. S, 2021). دوم، گرچه شواهدی درباره نقش میانجی خودکارآمدی در ارتباط والدگری با پیامدهای تحصیلی، رضایت از زندگی و مشکلات روان‌شناختی وجود دارد (Bi et al., 2022; Hayek et al., 2022; Zhang et al., 2026)، نقش آن در یک الگوی یکپارچه که هم‌زمان سبک‌های هویت و جدایی روان‌شناختی را در نوجوانان بررسی کند کمتر مورد آزمون قرار گرفته است. سوم، جدایی روان‌شناختی معمولاً به‌عنوان پیامد والدگری مطالعه شده و نقش بالقوه آن به‌عنوان سازوکاری واسطه‌ای میان فرزندپروری و هویت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سرانجام، پژوهش‌های جدید تأکید می‌کنند که برای درک کامل اثر والدگری باید فرایندهای درونی نوجوان، از جمله عاملیت، ادراک حمایت از نیازها و باورهای خودکارآمدی، به‌صورت هم‌زمان در مدل‌های ساختاری لحاظ شوند (Basileo et al., 2024; Li et al., 2025; Soenens & B, 2020).

بر این اساس، تدوین الگویی که بتواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بر دو تکلیف محوری نوجوانی یعنی هویتیابی و استقلال روان‌شناختی را توضیح دهد، از نظر نظری و کاربردی اهمیت دارد. چنین الگویی می‌تواند روشن سازد که والدگری حمایت‌کننده چگونه از طریق تقویت احساس شایستگی و ایجاد بستر تفرد سالم، نوجوان را برای تصمیم‌گیری مستقل و شکل‌دهی هویت منسجم آماده می‌کند و در مقابل، چگونه اشکال کنترل‌گرانه و بیش‌مداخله‌گر والدگری ممکن است این مسیر را مختل سازند. در عین حال، بررسی هم‌زمان خودکارآمدی و جدایی روان‌شناختی به‌عنوان سازوکارهای واسطه‌ای، امکان ارائه تبیینی چندسطحی از انتقال تأثیر خانواده به پیامدهای شناختی و تحولی نوجوان را فراهم می‌کند و می‌تواند شواهد مفیدی برای طراحی مداخلات خانواده‌محور و مدرسه‌محور در جهت حمایت از خودمختاری، تقویت خودکارآمدی و تسهیل هویتیابی نوجوانان فراهم آورد.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر ارائه و آزمون مدل علی تأثیر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بر سبک‌های هویت و استقلال روان‌شناختی نوجوانان با بررسی نقش میانجی‌گری خودکارآمدی عمومی و جدایی روان‌شناختی بود.

روش‌شناسی

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر شاغل به تحصیل در دوره‌های اول و دوم متوسطه (پایه‌های هفتم تا دوازدهم) در مدارس دولتی و غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ تشکیل دادند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: (۱) اشتغال به تحصیل در یکی از پایه‌های هفتم تا دوازدهم؛ (۲) قرار داشتن در دامنه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال؛ (۳) زندگی با دست‌کم یکی از والدین؛ و (۴) رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش. ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تکمیل بیش از ۱۰ درصد از گویه‌های پرسشنامه یا وجود الگوهای پاسخ‌دهی مخدوش و یکنواخت بود.

به منظور تضمین کفایت حجم نمونه و اعتبار آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، حجم نمونه بر پایه تحلیل توان آماری پیش‌رویدادی با استفاده از نرم‌افزار محاسبه‌گر توان آماری مدل‌های ساختاری محاسبه شد. با در نظر گرفتن تعداد متغیرهای مکنون مدل (۴ سازه)، تعداد شاخص‌های اندازه‌گیری (۱۴ متغیر آشکار)، اندازه اثر پیش‌بینی‌شده متوسط ($f^2 = 0/15$)، سطح معناداری خطای نوع اول (۰/۰۵) و توان آماری مطلوب (۰/۸۰)، حداقل حجم نمونه مورد نیاز ۲۳۰ نفر برآورد گردید. علاوه بر این، بر اساس راهنمای روش‌شناختی کلاین (۲۰۲۳) مبنی بر کفایت نسبت ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی به ازای هر پارامتر آزاد در الگوی ساختاری، حجم نمونه فراتر از حد نصاب تشخیصی قرار داشت. با لحاظ کردن احتمال ریزش آزمودنی‌ها یا عدم همکاری مناسب، تعداد ۲۹۰ پرسشنامه توزیع گردید. در نهایت پس از بازبینی اولیه و کنار گذاشتن ۲۷ پرسشنامه مخدوش یا ناقص، تعداد ۲۶۳ پرسشنامه کامل و معتبر با نرخ پاسخ‌دهی ۶/۹۰ درصد مبنای تحلیل نهایی قرار گرفت. فرایند انتخاب نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای طبقه‌بندی‌شده و در چهار گام پیاپی به شرح زیر اجرا گردید. در گام اول از میان مناطق آموزشی شهر تهران، تعداد ۲ ناحیه آموزشی به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در گام دوم، در هر یک از مناطق منتخب، فهرستی از مدارس متوسطه اول و دوم به تفکیک جنسیت (دخترانه و پسرانه) و نوع مدرسه (دولتی و غیردولتی) تهیه شد. سپس با هدف رعایت توازن جنسیتی و بافت آموزشی، تعداد ۸ مدرسه؛ شامل ۴ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه به صورت تصادفی گزینش شدند. گام سوم در هر مدرسه منتخب، از هر یک از پایه‌های تحصیلی مورد نظر (هفتم تا دوازدهم) یک کلاس درس به عنوان خوشه تصادفی نهایی برگزیده شد. و در نهایت در گام چهارم پس از هماهنگی با مدیریت مدارس و اخذ رضایت آگاهانه کتبی از والدین و دانش‌آموزان، پرسشنامه‌ها با حضور پژوهشگر در جلسات کلاسی توزیع شد. شرکت‌کنندگان پیش از پاسخ‌دهی از محرمانگی اطلاعات و داوطلبانه بودن پژوهش اطمینان یافتند.

به منظور ارتقای روایی بیرونی و تعمیم‌پذیری یافته‌ها، نسبت‌های جمعیت‌شناختی کلیدی با ساختار جامعه دانش‌آموزی مطابقت داده شد. نمونه نهایی از توازن جنسیتی بسیار مطلوبی برخوردار بود و شامل ۱۳۶ دختر (۷/۵۱ درصد)، ۱۲۲ پسر (۴/۴۶ درصد) و ۵ نفر بدون ثبت جنسیت (۹/۱ درصد) بود. دانش‌آموزان در تمامی پایه‌ها به صورت متعادل حضور داشتند (پایه هفتم: ۰/۵۲٪؛ پایه هشتم: ۱/۱۴٪؛ پایه نهم: ۸/۱۴٪؛ پایه دهم: ۰/۱۹٪؛ پایه یازدهم: ۶/۱۵٪؛ و پایه دوازدهم: ۰/۱۶٪). ۱/۷۹ درصد دانش‌آموزان در مدارس دولتی، ۴/۱۴ درصد در مدارس غیرانتفاعی و ۵/۶ درصد در سایر مدارس مشغول به تحصیل بودند؛ همچنین ۵/۸۲ درصد در بافت شهری و ۵/۱۷ درصد در مناطق روستایی/حاشیه‌ای سکونت داشتند. توزیع درآمدی خانوارها در سه سطح پایین (۱/۴۱٪)، متوسط (۶/۴۲٪) و بالا (۳/۱۶٪) به گونه‌ای پوشش داده شد که تنوع اجتماعی-اقتصادی جامعه به درستی بازنمایی شود.

۱. مقیاس فرزندپروری ادراک‌شده: این ابزار توسط گرولینک و همکاران (۱۹۹۷) جهت سنجش میزان درگیری، گرمی و حمایت از خودمختاری والدین از دیدگاه فرزندان تدوین شده است. این مقیاس دارای ۴۲ گویه است که ۲۱ گویه آن مربوط به رفتار مادر و ۲۱ گویه دیگر دقیقاً مشابه

^۱ Perceived Parenting Style Scale

و مربوط به رفتار پدر است. هر یک از حیطه‌های رفتار پدر و مادر شامل سه خرده‌مقیاس درگیری^۱ (۶ گویه)، حمایت از خودمختاری^۲ (۸ گویه) و گرمی^۳ (۷ گویه) است. پاسخ‌دهی به گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای از ۱ (کاملاً نادرست) تا ۷ (کاملاً درست) انجام می‌شود. نمرات گویه‌های شماره ۲، ۶، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۱ و ۴۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. حداقل نمره ممکن ۴۲ و حداکثر ۲۹۴ است که نمره بالاتر نشان‌دهنده سبک فرزندپروری مثبت‌تر و سازگارتر است. پایایی این مقیاس در منبع اصلی با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. در نسخه فارسی، ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس توسط کارشکی (۱۳۸۷) برابر با ۰/۹۳ و برای خرده‌مقیاس‌های درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۸۴ و ۰/۸۳ گزارش شد. در پژوهش حاضر، بارهای عاملی متغیرهای آشکار مربوط به سبک فرزندپروری ادراک‌شده در تحلیل عاملی تأییدی همگی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بودند و ضریب آلفای کرونباخ کلی به دست آمده برای فرزندپروری مادر ۰/۸۳ و برای فرزندپروری پدر ۰/۸۳ تایید شد.

۲. مقیاس خودکارآمدی: به منظور سنجش باورهای خودکارآمدی متداول، از مقیاس ۱۰ گویه‌ای شواتزر و جروسلم (۱۹۹۵) استفاده شد. این ابزار ادراک خوش‌بینانه فرد نسبت به توانایی‌های مقابله‌ای خود در رویارویی با مشکلات و انطباق با شرایط دشوار زندگی را مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسخ‌دهی به عبارات بر اساس مقیاس چهارگزینه‌ای لیکرت از ۱ (اصلاً صحیح نیست) تا ۴ (کاملاً صحیح است) صورت می‌گیرد. حداقل نمره در این مقیاس ۱۰ و حداکثر ۴۰ است و کسب نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح خودکارآمدی بیشتر در نوجوان است. روایی و پایایی این مقیاس در کشورهای مختلف تایید شده است. در ایران، رجبی (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را روی نمونه‌ای از دانشجویان برابر با ۰/۸۴ گزارش داد. در مطالعه حاضر، تحلیل عاملی تأییدی تک‌عاملی نشان داد که تمامی عبارات دارای بارهای عاملی مناسب و معناداری هستند و آلفای کرونباخ مقیاس خودکارآمدی در نمونه کنونی برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

۳. پرسشنامه جدایی روان‌شناختی: این پرسشنامه توسط هافمن (۱۹۸۴) برای ارزیابی ابعاد جدایی روان‌شناختی و تفرد نوجوان از والدین طراحی شده است. نسخه کوتاه و هنجاریابی شده این ابزار توسط واحدی (۱۳۹۴) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه ابعاد چهارگانه جدایی روان‌شناختی شامل استقلال تعارضی، استقلال هیجانی، استقلال نگرشی^۴ و استقلال کنشی/رفتاری^۵ را به تفکیک برای مادر و پدر مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسخ‌دهی به عبارات بر روی یک طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۱ (هرگز درست نیست) تا ۵ (کاملاً صادق است) انجام می‌شود و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح استقلال و جدایی روان‌شناختی بیشتر و سالم‌تر نوجوان از والدین است. در پژوهش هنجاریابی واحدی (۱۳۹۴)، ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد استقلال تعارضی، هیجانی، نگرشی و کنشی نسبت به مادر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۵ و ۰/۷۶ و نسبت به پدر به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۴، ۰/۷۸ و ۰/۷۵ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب ابزار است. در پژوهش حاضر، بارهای عاملی شاخص‌های این متغیر مکنون در تحلیل عاملی تأییدی معنادار بودند.

۴. پرسشنامه سبک هویت برزونسکی: این پرسشنامه توسط برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۲) برای ارزیابی شیوه‌های پردازش شناختی اطلاعات مربوط به هویت شخصی تدوین شده است. این ابزار یک مقیاس خودگزارشی ۴۰ عبارتی است که از چهار زیرمقیاس تشکیل یافته است: جهت‌گیری/سبک اطلاعاتی^۶ (۱۱ گویه)، جهت‌گیری/سبک هنجاری^۷ (۹ گویه)، جهت‌گیری/سبک سردرگم/اجتنابی^۸ (۱۰ گویه) و تعهد

^۱ Involvement

^۲ Autonomy Support

^۳ Warmth

^۴ General Self-Efficacy Scale - GSE-10

^۵ Psychological Separation Inventory - PSI

^۶ Conflictual Independence

^۷ Emotional Independence

^۸ Attitudinal Independence

^۹ Functional/Behavioral Independence

^۱ Identity Style Inventory - ISI-6G

^۱ Informational Style

^۱ Normative Style

^۱ Diffuse-Avoidant Style

هویتی^۱ (۱۰ گویه). پاسخ‌دهی به عبارات بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) انجام می‌پذیرد. گویه‌های شماره ۹، ۱۱، ۱۴ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. روایی همبستگی این ابزار با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز تایید شده است. در هنجاریابی کروستی و شکری (۲۰۱۰) در ایران، آلفای کرونباخ برای تعهد هویتی ۰/۷۵، جهت‌گیری هنجاری ۰/۷۲، جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی ۰/۸۲ و جهت‌گیری اطلاعاتی ۰/۷۶ گزارش شد. در پژوهش حاضر، تحلیل عاملی تایید ساختار عاملی پنج بعد را تایید کرد و بار عاملی بعد سردرگم/اجتنابی همان‌طور که انتظار می‌رفت منفی بود (بار استاندارد شده: ۰/۶۴-).

در این پژوهش، تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. برای استخراج شاخص‌های توصیفی نظیر میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی و همچنین محاسبه ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. جهت آزمون الگوی روابط ساختاری و فرضیه‌های واسطه‌ای فرضی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با روش برآورد بیشینه احتمال^۲ با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS استفاده گردید. به منظور ارزیابی برازش مدل ساختاری فرضی، شاخص‌های برازش متعددی نظیر شاخص مجذور کای نسبی (X^2/df)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص توکر-لوییز (TLI)، ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) و ریشه میانگین مجذور باقیمانده استاندارد شده (SRMR) مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین برای آزمون معناداری اثرات غیرمستقیم (میانجی‌گری خودکارآمدی) از روش بوت استرپ با ۵۰۰۰ بار نمونه‌گیری مجدد استفاده شد.

یافته‌ها

جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۶۳ نفر از دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۴/۹۹ سال با انحراف استاندارد ۱/۸۹ (بازه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال) بود. از نظر ترکیب جنسیتی، ۱۲۲ نفر (۴۶/۴ درصد) را پسران، ۱۳۶ نفر (۵۱/۷ درصد) را دختران و ۵ نفر (۱/۹ درصد) را سایر افراد تشکیل می‌دادند. توزیع نمونه در پایه‌های تحصیلی عبارت بود از: پایه هفتم ۵۴ نفر (۲۰/۵ درصد)، پایه هشتم ۳۷ نفر (۱۴/۱ درصد)، پایه نهم ۳۹ نفر (۱۴/۸ درصد)، پایه دهم ۵۰ نفر (۱۹/۰ درصد)، پایه یازدهم ۴۱ نفر (۱۵/۶ درصد) و پایه دوازدهم ۴۲ نفر (۱۶/۰ درصد). از نظر نوع مدرسه، ۲۰۸ نفر (۷۹/۱ درصد) در مدارس دولتی، ۳۸ نفر (۱۴/۴ درصد) در مدارس غیرانتفاعی و ۱۷ نفر (۶/۵ درصد) در سایر انواع مدارس مشغول به تحصیل بودند. تحلیل بافت جغرافیایی نشان داد که ۲۱۷ نفر (۸۲/۵ درصد) سکونت شهری و ۴۶ نفر (۱۷/۵ درصد) سکونت روستایی داشتند. از نظر ساختار خانواده، ۱۹۳ نفر (۷۳/۴ درصد) با هر دو والد، ۲۹ نفر (۱۱/۰ درصد) تنها با مادر، ۱۵ نفر (۵/۷ درصد) تنها با پدر و ۲۶ نفر (۹/۹ درصد) در سایر ساختارهای سرپرستی زندگی می‌کردند. وضعیت تاهل والدین شامل ۲۳۹ نفر (۹۰/۹ درصد) متاهل، ۱۳ نفر (۴/۹ درصد) مطلقه، ۶ نفر (۲/۳ درصد) همسر فوت‌شده و ۵ نفر (۱/۹ درصد) سایر بود. همچنین ۲۳۳ نفر (۸۸/۶ درصد) از اینترنت خانگی برخوردار بودند. درباره سطح تحصیلات والدین، ۱۵/۲ درصد از مادران بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۲/۵ درصد دارای مدرک سیکل، ۱۶/۳ درصد دبیرستان، ۱۰/۳ درصد دیپلم/فوق دیپلم، ۱۱/۴ درصد لیسانس و ۱۹/۰ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند؛ در حالی که برای پدران، ۱۰/۳ درصد بی‌سواد، ۱۶/۳ درصد ابتدایی، ۱۳/۳ درصد سیکل، ۱۷/۱ درصد دبیرستان، ۱۴/۱ درصد دیپلم/فوق دیپلم، ۱۸/۳ درصد لیسانس و ۱۰/۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر ثبت شد. وضعیت درآمد خانوار برای ۱۰۸ خانواده (۴۱/۱ درصد) در سطح پایین، ۱۱۲ خانواده (۴۲/۶ درصد) در سطح متوسط و ۴۳ خانواده (۱۶/۳ درصد) در سطح بالا ارزیابی گردید.

پیش از بررسی الگوی روابط ساختاری، مفروضه‌های آماری شامل نرمال بودن تک‌متغیری با استفاده از شاخص‌های چولگی^۳ و کشیدگی^۴ ارزیابی گردید. مقادیر چولگی تمامی متغیرها در محدوده ۰/۳۵۸- تا ۰/۱۸۷+ و مقادیر کشیدگی در محدوده ۰/۳۲۹- تا ۰/۷۸۹+ به دست آمد. قرار

¹ Commitment

² Maximum Likelihood - ML

³ Bootstrapping

⁴ Skewness

⁵ Kurtosis

گرفتن تمامی مقادیر در بازه استاندارد -۱ تا +۱، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها را جهت استفاده از روش برآورد بیشینه احتمال در مدل‌سازی معادلات ساختاری تایید نمود.

جهت بررسی روابط دو به دوی متغیرهای اصلی پژوهش، از ماتریس همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سبک فرزندپروری ادراک‌شده مادر ($M = ۸۳/۱۰$, $SD = ۱۵/۰۴$) و پدر ($M = ۸۲/۶۳$, $SD = ۱۵/۶۵$) همبستگی مثبت و معناداری با خودکارآمدی عمومی ($M = ۲۴/۹۴$, $SD = ۵/۱۰$)، استقلال روان‌شناختی از مادر ($M = ۱۷۱/۱۹$, $SD = ۲۷/۷۹$)، استقلال روان‌شناختی از پدر ($M = ۱۷۱/۵۴$, $SD = ۲۹/۴۳$) و سبک‌های هویت ($M = ۱۲۰/۶۹$, $SD = ۱۳/۳۰$) نشان دادند. خودکارآمدی عمومی با استقلال روان‌شناختی از مادر ($r = ۰/۲۸۴$, $p < ۰/۰۰۱$) و کل سبک‌های هویت ($r = ۰/۳۲۷$, $p < ۰/۰۰۱$) و معناداری داشت. سبک هویت اطلاعاتی ($r = ۰/۳۰۴$, $p < ۰/۰۰۱$) و تعهد هویتی ($r = ۰/۲۳۶$, $p < ۰/۰۰۱$) همبستگی مثبت خودکارآمدی نشان دادند، در حالی که سبک هویت سردرگم/اجتنابی همبستگی منفی و معناداری با فرزندپروری مادر ($r = -۰/۳۱۳$, $p < ۰/۰۰۱$)، فرزندپروری پدر ($r = -۰/۳۴۲$, $p < ۰/۰۰۱$) و خودکارآمدی عمومی ($r = -۰/۲۹۳$, $p < ۰/۰۰۱$) داشت.

جدول ۱. ماتریس همبستگی پیرسون، میانگین، انحراف استاندارد و شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی
۱	فرزندپروری مادر	۱						۸۳/۱۰	۱۵/۰۴	-۰/۱۸۳	۰/۳۳۵
۲	فرزندپروری پدر	**۰/۷۲۶	۱					۸۲/۶۳	۱۵/۶۵	-۰/۱۱۶	۰/۲۴۷
۳	خودکارآمدی عمومی	**۰/۲۹۲	**۰/۳۱۳	۱				۲۴/۹۴	۵/۱۰	-۰/۱۵۷	۰/۰۵۸
۴	استقلال روان‌شناختی از مادر	**۰/۳۲۱	**۰/۳۱۲	**۰/۲۸۴	۱			۱۷۱/۱۹	۲۷/۷۹	-۰/۱۲۷	-۰/۳۲۹
۵	استقلال روان‌شناختی از پدر	**۰/۳۷۳	**۰/۳۷۷	**۰/۳۲۷	**۰/۷۷۴	۱		۱۷۱/۵۴	۲۹/۴۳	۰/۱۰۱	-۰/۲۰۷
۶	سبک‌های هویت	**۰/۲۴۷	**۰/۲۷۶	**۰/۲۲۲	**۰/۲۴۹	**۰/۲۷۹	۱	۱۲۰/۶۹	۱۳/۳۰	-۰/۰۷۱	-۰/۲۶۸

جهت اطمینان از کیفیت اندازه‌گویه‌ها و ساختار عاملی متغیرهای مکنون، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم اجرا شد. در الگوی مرتبه دوم سبک فرزندپروری ادراک‌شده، بارهای عاملی فرزندپروری ادراک‌شده مادر ($\beta = ۰/۸۴$, $p = ۰/۰۰۱$) و پدر ($\beta = ۰/۸۶$, $p = ۰/۰۰۱$) کاملاً معنادار بودند. برای سازه سبک‌های هویت، بارهای عاملی ابعاد مرتبه اول شامل سبک اطلاعاتی ($\beta = ۰/۷۴$, $p = ۰/۰۰۱$)، تعهد هویتی ($\beta = ۰/۷۸$, $p = ۰/۰۰۱$)، سبک هنجاری ($\beta = ۰/۶۲$, $p = ۰/۰۰۱$) و سبک سردرگم/اجتنابی ($\beta = -۰/۶۴$, $p = ۰/۰۰۱$) بر متغیر مکنون مرتبه دوم معنادار گزارش شدند. در سازه جدایی روان‌شناختی، بارهای عاملی ابعاد چهارگانه استقلال تعارضی ($\beta = ۰/۷۶$, $p = ۰/۰۰۱$)، هیجانی ($\beta = ۰/۷۱$, $p = ۰/۰۰۱$)، نگرشی ($\beta = ۰/۷۳$, $p = ۰/۰۰۱$) و کنشی ($\beta = ۰/۷۹$, $p = ۰/۰۰۱$) معنادار بودند.

ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارها با ارزیابی ضریب آلفای کرونباخ (α)، پایایی مرکب (CR) و میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) بررسی گردید (جدول ۳). مقادیر آلفای کرونباخ تمامی متغیرها در بازه ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ و مقادیر پایایی مرکب (CR) در بازه ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ قرار داشتند که فراتر از حد نصاب ۰/۷۰ بوده و حاکی از پایایی سازه مطلوب است. مقادیر AVE برای تمامی سازه‌های مکنون بالاتر از حد نصاب ۰/۵۰ (بین ۰/۵۲ تا ۰/۵۸) به دست آمد که نشان‌دهنده روایی همگرا مناسب است. روایی واگرا/تشخیصی با دو روش ملاک فورنل-لارکر و نسبت ناهمسانی-همسانی (HTMT) سنجیده شد. بر اساس ملاک فورنل-لارکر (جدول ۳)، جذر AVE هر سازه مکنون (مقادیر روی قطر اصلی بین ۰/۷۲۱ تا ۰/۷۶۲) از ضرایب همبستگی آن با سایر سازه‌ها (مقادیر زیر قطر بین ۰/۲۴۷ تا ۰/۳۷۷) بزرگ‌تر بود. همچنین مقادیر شاخص HTMT بین تمامی زوج‌سازه‌ها در بازه ۰/۲۶۸ تا ۰/۴۱۲ قرار داشت که بسیار کمتر از آستانه ۰/۸۵ است و روایی تشخیصی مدل را به طور کامل تایید می‌کند.

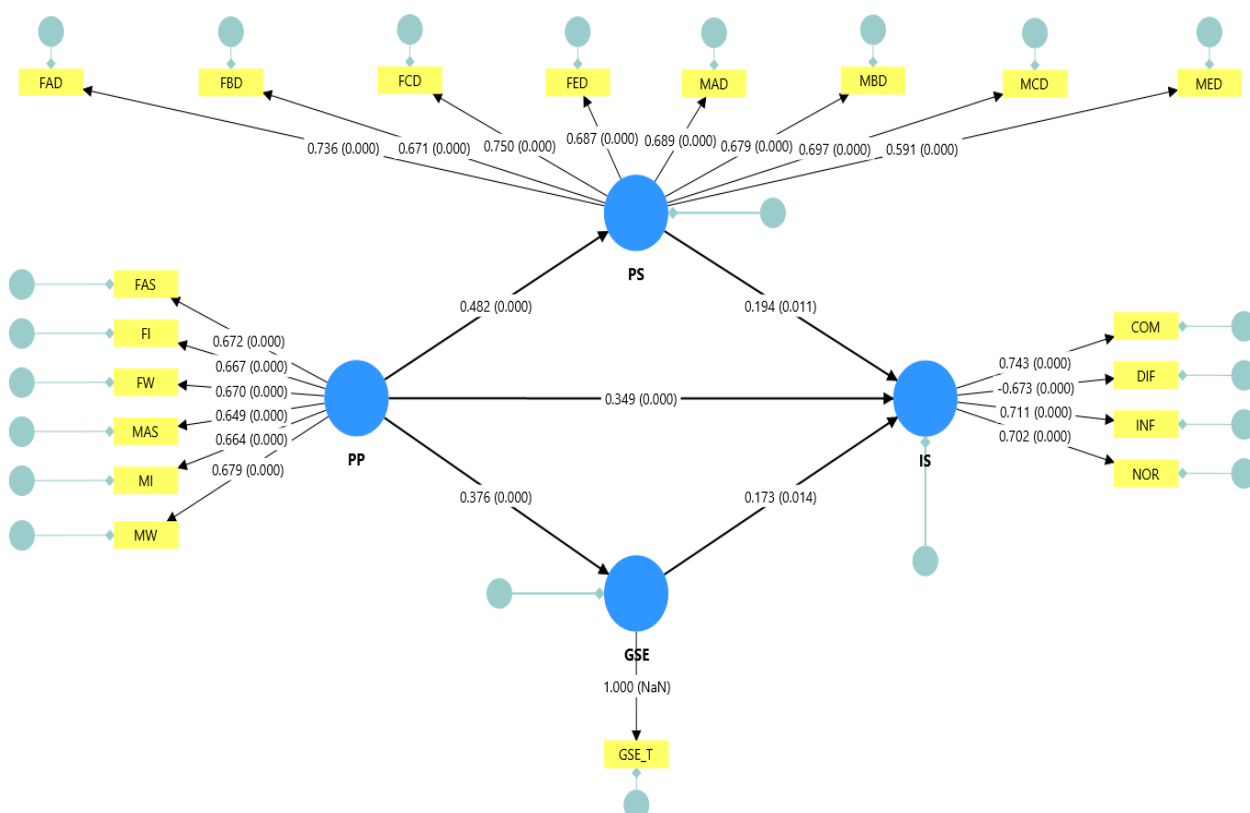
^۱ Maximum Likelihood

جدول ۳. ماتریس ارزیابی روایی واگرا بر اساس ملاک فورنل-لارکر و شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی مرکب (CR) و روایی همگرا (AVE)

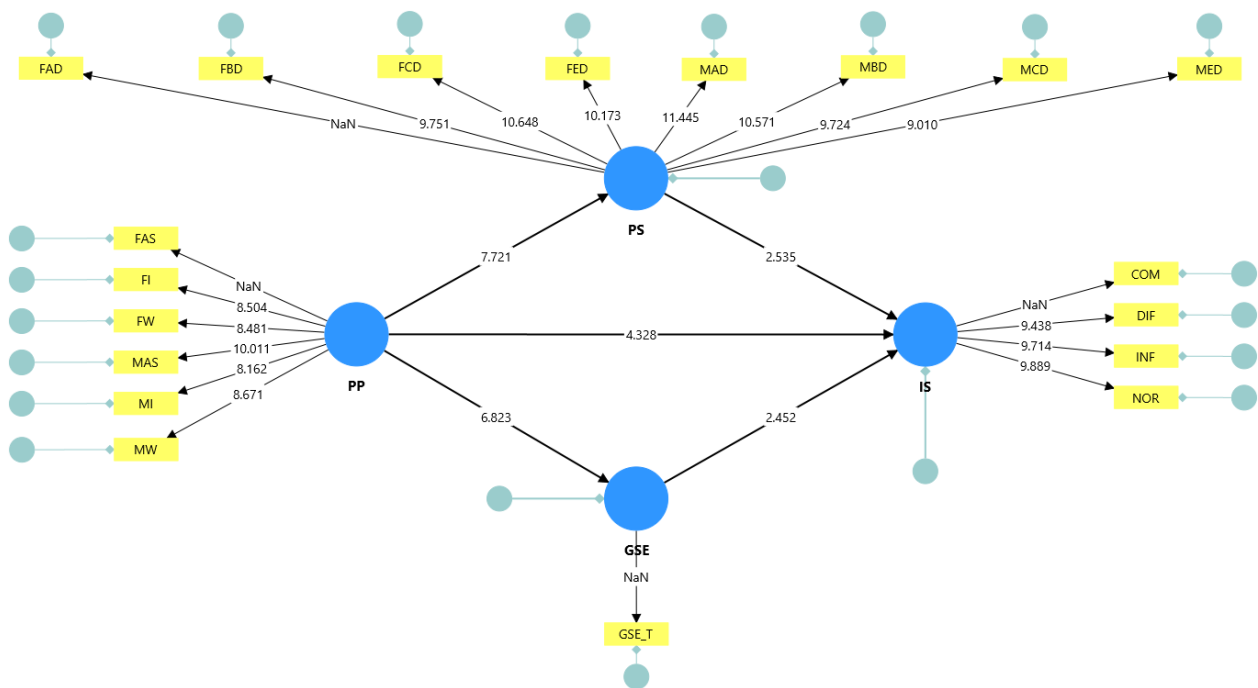
متغیرهای مکنون پژوهش

متغیرهای مکنون	۱	۲	۳	۴	α	CR	AVE	وضعیت روایی همگرا
۱. سبک فرزندپروری ادراک شده	(۰/۷۶۲)				۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۵۸	تایید ($AVE > ۰/۵۰$)
۲. خودکارآمدی عمومی	۰/۳۱۳	(۰/۷۲۱)			۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۵۲	تایید ($AVE > ۰/۵۰$)
۳. سبک‌های هویت	۰/۲۷۶	۰/۲۲۲	(۰/۷۳۵)		۰/۸۱	۰/۸۵	۰/۵۴	تایید ($AVE > ۰/۵۰$)
۴. جدایی روان‌شناختی	۰/۳۷۷	۰/۳۲۷	۰/۲۷۹	(۰/۷۴۸)	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۵۶	تایید ($AVE > ۰/۵۰$)

به منظور بررسی هم‌زمان اثرات مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری بر هویت و استقلال روان‌شناختی با نقش میانجی‌گری خودکارآمدی، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با روش برآورد بیشینه احتمال در محیط نرم‌افزاری Smart PLS استفاده شد. ارزیابی شاخص‌های برازش نشان داد که مدل ساختاری تدوین‌شده از انطباق بسیار بالایی با داده‌های گردآوری‌شده برخوردار است: شاخص مجذور کای ($X^2 = ۱۸۷/۳۳۵$, $df = ۱۴۸$, $p = ۰/۰۴۲$)، شاخص مجذور کای نسبی ($X^2/df = ۱/۲۶۶$)، شاخص برازش تطبیقی ($CFI = ۰/۹۷۸$)، شاخص نرم‌نشده توکر-لوئیس ($TLI = ۰/۹۷۴$)، ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب ($RMSEA = ۰/۰۳۲$) و ریشه میانگین مجذور باقیمانده استاندارد شده ($SRMR = ۰/۰۵۰$). مقادیر به دست آمده همگی حاکی از برازش مطلوب و قابل قبول مدل فرضی با داده‌های تجربی هستند.



شکل ۱: ضرایب مسیر استاندارد متغیرها در مدل تجربی پژوهش



شکل ۲: شاخص T معناداری ضرایب مسیر استاندارد متغیرها در مدل تجری پژوهش

نتایج مربوط به بررسی مسیرهای مستقیم مدل در جدول ۴ گزارش شده است. همان گونه که ملاحظه می شود، سبک فرزندپروری ادراک شده (مکنون) پیش بین مثبت و معنادار خودکارآمدی ($\beta = 0.376$, $p < 0.001$)، جدایی روان شناختی ($\beta = 0.482$, $p < 0.001$) و سبک های هویت ($\beta = 0.349$, $p < 0.001$) است. همچنین خودکارآمدی عمومی تأثیر مستقیم و مثبت معناداری بر سبک های هویت ($\beta = 0.173$, $p = 0.014$) دارد. علاوه بر این، مسیر مستقیم جدایی روان شناختی بر سبک های هویت نیز معنادار گزارش شد ($\beta = 0.194$, $p = 0.011$)، که بیانگر تأثیر مستقیم تفرد بر پردازش اطلاعات هویتی است.

جدول ۴. برآورد ضرایب مسیرهای مستقیم در مدل معادلات ساختاری

مسیرهای مستقیم مدل	β	SE	t-value	p
سبک فرزندپروری ← خودکارآمدی	0.376	0.055	6.823	$p < 0.001$
سبک فرزندپروری ← جدایی روان شناختی	0.482	0.062	7.721	$p < 0.001$
سبک فرزندپروری ← سبک های هویت	0.349	0.081	4.328	$p < 0.001$
خودکارآمدی ← سبک های هویت	0.173	0.071	2.452	0.014
جدایی روان شناختی ← سبک های هویت	0.194	0.076	2.535	0.011

جهت بررسی نقش میانجی گری در مدل، اثرات غیرمستقیم با استفاده از روش بوت استرپ بررسی شد (جدول ۵). نتایج نشان داد که اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری بر سبک های هویت با میانجی گری خودکارآمدی ($\beta = 0.065$, $p = 0.04$) و همچنین با میانجی گری جدایی روان شناختی ($\beta = 0.093$, $p = 0.02$) معنادار است. با توجه به معنادار بودن هر دو اثر غیرمستقیم، می توان نتیجه گرفت که خودکارآمدی و جدایی روان شناختی نقش میانجی را در ارتباط بین سبک فرزندپروری و سبک های هویت ایفا می کنند.

جدول ۵. برآورد اثرات غیرمستقیم (نقش میانجی)

مسیرهای غیرمستقیم	β	SE	t-value	p
فرزندپروری ← خودکارآمدی ← سبک هویت	0.065	0.034	1.91	0.04
فرزندپروری ← جدایی روان شناختی ← سبک هویت	0.093	0.042	2.21	0.02

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آزمون مدل علی تأثیر سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده بر سبک‌های هویت و استقلال روان‌شناختی نوجوانان با توجه به نقش میانجی خودکارآمدی عمومی و جدایی روان‌شناختی انجام شد. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که الگوی پیشنهادی از برازش بسیار مطلوبی با داده‌های تجربی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که شاخص‌های برازش شامل $\chi^2/df=1.266$, $CFI=0.978$, $TLI=0.974$, $RMSEA=0.032$ و $SRMR=0.050$ همگی در دامنه مطلوب قرار داشتند. همچنین، سبک فرزندپروری ادراک‌شده اثر مستقیم، مثبت و معناداری بر خودکارآمدی عمومی، جدایی روان‌شناختی و سبک‌های هویت داشت. افزون بر این، خودکارآمدی عمومی و جدایی روان‌شناختی به‌صورت مستقیم و مثبت سبک‌های هویت را پیش‌بینی کردند. در سطح اثرات غیرمستقیم نیز نتایج بوت‌استرپ نشان داد که هم خودکارآمدی عمومی و هم جدایی روان‌شناختی در رابطه میان سبک فرزندپروری ادراک‌شده و سبک‌های هویت نقش میانجی معناداری ایفا می‌کنند. مجموعه این یافته‌ها نشان می‌دهد که اثر خانواده بر فرایند هویتیابی نوجوان صرفاً یک اثر مستقیم نیست، بلکه بخش مهمی از آن از طریق تقویت احساس شایستگی فردی و فراهم کردن شرایط تفرد و استقلال روان‌شناختی سالم منتقل می‌شود.

نخستین یافته پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری ادراک‌شده پیش‌بین مثبت و معنادار خودکارآمدی عمومی نوجوانان است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند کیفیت حمایت والدینی، شیوه اعطای استقلال و نحوه درگیری والدین در زندگی نوجوان، با سطح بالاتر باورهای خودکارآمدی ارتباط دارد (Miller, 2019; Pavicevic & M. S, 2021). همچنین، یافته حاضر با نتایج پژوهش‌هایی سازگار است که نشان داده‌اند والدگری مقتدرانه و حمایت‌کننده می‌تواند از طریق افزایش خودکارآمدی، عملکرد تحصیلی و انگیزش نوجوانان را بهبود بخشد (Hayek et al., 2022; Shengyao et al., 2024). به همین ترتیب، مطالعه بی و همکاران نشان داد که اعطای خودمختاری والدینی از طریق تقویت خودکارآمدی هیجانی می‌تواند رضایت از زندگی نوجوان را افزایش دهد (Bi et al., 2022). در پژوهش‌های جدیدتر نیز نقش خودکارآمدی به‌عنوان یکی از سازوکارهای واسطه‌ای مهم بین سبک‌های والدگری و پیامدهای بین‌فردی و روان‌شناختی نوجوانان تأیید شده است (Zhang et al., 2026).

برای تبیین این یافته می‌توان گفت نوجوانان زمانی که والدین خود را گرم، پاسخگو، درگیر و حمایت‌کننده از خودمختاری ادراک می‌کنند، فرصت بیشتری برای تصمیم‌گیری، حل مسئله و تجربه پیامدهای انتخاب‌های شخصی پیدا می‌کنند. چنین تجاربی زمینه شکل‌گیری احساس تسلط و شایستگی را فراهم می‌سازند. افزون بر این، بازخوردهای مثبت والدینی و پذیرش عاطفی می‌توانند به نوجوان اطمینان دهند که توانایی مواجهه با موقعیت‌های دشوار را دارد. در مقابل، رفتارهای کنترل‌گر، منفی یا بیش‌مداخله‌گر می‌توانند فرصت تجربه موفقیت مستقلانه را کاهش داده و در نتیجه احساس ناتوانی یا خودتردیدی را تقویت کنند. یافته‌های مربوط به والدگری منفی نیز نشان داده‌اند که چنین الگوهایی با تضعیف خودکارآمدی در تنظیم هیجان و افزایش مشکلات سازگاری همراه هستند (Di et al., 2022). همچنین، فرزندپروری هلیکوپتری با کاهش احساس استقلال و بهزیستی و افزایش وابستگی روان‌شناختی همراه گزارش شده است (Ahmed & F. L, 2023; Oad et al., 2023). بنابراین، سبک‌های فرزندپروری مثبت می‌توانند از طریق فراهم کردن موقعیت‌های واقعی برای تجربه شایستگی، یکی از منابع اصلی شکل‌گیری خودکارآمدی نوجوان باشند.

دومین یافته نشان داد که سبک فرزندپروری ادراک‌شده اثر مستقیم و مثبت معناداری بر جدایی روان‌شناختی نوجوانان دارد. این نتیجه با مطالعاتی همخوان است که نشان داده‌اند سبک‌های والدگری حمایت‌کننده و غیرکنترل‌گر با استقلال و خودمختاری بیشتر نوجوانان ارتباط دارند (Mousavi et al., 2024; Suryani & Y, 2024). همچنین، یافته حاضر با نتایج پژوهش‌های بین‌فرهنگی همسو است که نشان داده‌اند شیوه‌های والدگری، به‌ویژه حمایت از خودمختاری، نقش مهمی در تجربه استقلال نوجوانان ایفا می‌کنند (Benito-Gomez et al., 2020; Ma et al., 2025). مطالعه طولی پروفایل‌های والدگری نیز نشان داده است نوجوانانی که در محیط‌های حمایت‌کننده از خودمختاری

رشد می‌کنند، در مقایسه با نوجوانانی که با والدگری کنترل‌گر مواجه‌اند، پیامدهای روان‌شناختی و تحولی مطلوب‌تری دارند (Teuber et al., 2022).

تبیین این یافته مستلزم تمایز میان استقلال سالم و گسست عاطفی است. خودمختاری در نوجوانی به معنای قطع رابطه با والدین یا بی‌نیازی مطلق از آنان نیست، بلکه به توانایی تصمیم‌گیری ارادی، تجربه اختیار و ایجاد مرزهای روان‌شناختی سالم در عین حفظ پیوند عاطفی اشاره دارد (Soenens et al., 2017). هنگامی که والدین دیدگاه نوجوان را معتبر می‌شمارند، امکان انتخاب فراهم می‌کند و از کنترل روان‌شناختی اجتناب می‌ورزند، نوجوان می‌تواند بدون احساس گناه یا تهدید نسبت به رابطه خانوادگی، استقلال خود را تجربه کند. برعکس، والدگری بیش‌مداخله‌گر یا کنترل‌گر نوجوان را در موقعیتی قرار می‌دهد که استقلال ممکن است با تعارض، نافرمانی یا اضطراب همراه شود. پژوهش‌های معاصر نیز نشان داده‌اند که فرایند والدگری در نوجوانی باید به‌صورت پویا در نظر گرفته شود، زیرا واکنش‌های نوجوان و شیوه‌های رفتاری والدین به‌طور متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند (Soenens & B, 2020, 2025). در نتیجه، جدایی روان‌شناختی سالم زمانی محتمل‌تر است که نوجوان آزادی نسبی را در چارچوب یک رابطه عاطفی امن تجربه کند.

سومین یافته پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری ادراک‌شده اثر مستقیم و معناداری بر سبک‌های هویت نوجوانان دارد. این یافته با پژوهش‌های متعددی که ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری و رشد هویت را بررسی کرده‌اند، همسو است (Ibad et al., 2023; Jimoh et al., 2020). همچنین، مطالعات نشان داده‌اند که الگوهای والدگری و هم‌والدگری می‌توانند بر فرایندهای تشکیل هویت شخصی نوجوان اثرگذار باشند و کیفیت رابطه والد-فرزند، زمینه‌ای اساسی برای کاوش و تعهد هویتی فراهم می‌کند (Albert Sznitman et al., 2019). یافته‌های جدیدتر نیز نشان می‌دهند که کنترل والدینی ادراک‌شده می‌تواند با ایجاد محدودیت در آزادی روان‌شناختی، شکل‌گیری هویت مستقل را با دشواری مواجه کند (Ghosh & K, 2026).

از نظر تبیینی، محیط خانوادگی حمایت‌کننده این امکان را در اختیار نوجوان قرار می‌دهد که باورها، ارزش‌ها، اهداف و نقش‌های مختلف را بدون ترس از طردشدگی یا تنبیه بررسی کند. چنین فضایی با سبک هویت اطلاعاتی، پردازش عمیق‌تر اطلاعات و تعهد هویتی باثبات‌تر سازگار است. در مقابل، والدگری شدیداً کنترل‌گر می‌تواند دو مسیر ناسازگارانه ایجاد کند: نخست، نوجوان ممکن است بدون کاوش مستقلانه، ارزش‌ها و انتظارات والدین را به‌صورت منفعلانه بپذیرد؛ دوم، ممکن است از تصمیم‌گیری‌های هویتی اجتناب کرده و در وضعیت سردرگمی باقی بماند. به همین دلیل، یافته حاضر را می‌توان نشان‌دهنده آن دانست که خانواده نه صرفاً محتوای هویت، بلکه شیوه پردازش اطلاعات هویتی را نیز شکل می‌دهد. این تبیین با دیدگاه‌های جدید که بر عاملیت نوجوان در فرایند اجتماعی‌شدن تأکید دارند سازگار است؛ زیرا نوجوان رفتارهای والدین را تفسیر می‌کند و بر اساس معنایی که به آن‌ها می‌دهد، راهبردهای شناختی و رفتاری خاصی را در پیش می‌گیرد (Soenens & B, 2020).

چهارمین یافته نشان داد که خودکارآمدی عمومی اثر مستقیم، مثبت و معناداری بر سبک‌های هویت دارد. این نتیجه با پژوهش‌هایی هماهنگ است که رابطه خودکارآمدی را با جنبه‌های مختلف هویت و تصمیم‌گیری نشان داده‌اند. برای مثال، خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی با هویت حرفه‌ای ارتباط معناداری دارد (Turda, 2024) و در گروه‌های آسیب‌پذیر نیز خودکارآمدی و عزت‌نفس با شکل‌گیری هویت شغلی پیوند نشان داده‌اند (Lee & H, 2024). همچنین، در نوجوانان متعلق به اقلیت‌های قومی، خودکارآمدی عمومی در کنار حمایت اجتماعی با فرایندهای مرتبط با هویت ارتباط داشته است (Lai et al., 2022). این یافته‌ها در مجموع نشان می‌دهند که باور فرد به توانایی‌های خود، یکی از منابع مهم لازم برای مواجهه فعالانه با مسائل هویتی است.

از منظر فرایندی، هویت‌یابی مستلزم تحمل ابهام، بررسی گزینه‌ها، مواجهه با احتمال اشتباه، تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت پیامدهای انتخاب است. نوجوانی که خودکارآمدی بالاتری دارد، احتمال بیشتری دارد که این تکالیف را قابل مدیریت بداند و به جای اجتناب، با آن‌ها درگیر شود. خودکارآمدی بالا همچنین می‌تواند انگیزه و پشتکار لازم برای بازاندیشی در انتخاب‌ها و حفظ تعهدات معنادار را فراهم سازد. یافته‌های حوزه

آموزش نیز نشان می‌دهند که خودکارآمدی در کنار انگیزش و حمایت از نیازهای روان‌شناختی نقش مهمی در عملکرد و درگیری فعالانه دانش‌آموز دارد (Basileo et al., 2024). بنابراین، می‌توان استدلال کرد که خودکارآمدی صرفاً یک باور عمومی درباره توانمندی نیست، بلکه منبعی شناختی-انگیزشی است که نوجوان را برای مشارکت فعال در ساخت هویت خود تجهیز می‌کند.

پنجمین یافته پژوهش نشان داد که جدایی روان‌شناختی اثر مستقیم و معناداری بر سبک‌های هویت دارد. این نتیجه از این دیدگاه حمایت می‌کند که هویت‌یابی موفق نیازمند درجه‌ای از استقلال روان‌شناختی از والدین است. نوجوان زمانی قادر است به‌صورت انتقادی درباره ارزش‌ها، اهداف و باورهای خود بیندیشد که فضای روانی لازم برای فاصله‌گیری شناختی و عاطفی از انتظارات والدینی را داشته باشد. یافته‌های مربوط به استقلال نوجوان نشان می‌دهند که سبک‌های فرزندپروری حمایت‌کننده می‌توانند خودمختاری و استقلال را تقویت کنند (Mousavi et al., 2024; Suryani & Y, 2024). همچنین، پژوهش‌های مربوط به خودمختاری در فرهنگ‌های مختلف بیانگر آن‌اند که تجربه اراده و استقلال شخصی، حتی در جوامعی که پیوند خانوادگی اهمیت بالایی دارد، با سازگاری بهتر نوجوان همراه است (Benito-Gomez et al., 2020; Ma et al., 2025).

می‌توان این یافته را چنین تبیین کرد که تفرد روان‌شناختی، فضای لازم برای هویت‌یابی مستقل را فراهم می‌آورد. نوجوانی که هنوز به‌شدت از تأیید والدین وابسته است یا از مخالفت با آنان احساس گناه شدید می‌کند، احتمالاً آزادی کمتری برای بررسی باورهای جایگزین خواهد داشت. در مقابل، نوجوانی که توانسته است استقلال نگرشی، هیجانی و رفتاری سالمی ایجاد کند، می‌تواند اطلاعات هویتی را بدون وابستگی کامل به تأیید بیرونی ارزیابی کند. این فرایند به‌ویژه در بافت‌های فرهنگی دارای پیوندهای خانوادگی قوی اهمیت دارد، زیرا هویت سالم الزاماً از طریق گسست از خانواده حاصل نمی‌شود، بلکه می‌تواند در چارچوب «خودمختاری در عین ارتباط» شکل گیرد (Soenens et al., 2017). از این منظر، جدایی روان‌شناختی نه پایان رابطه والد-فرزند، بلکه بازسازمان‌دهی آن در سطحی بالغ‌تر است.

یافته محوری دیگر پژوهش، معنادار بودن اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری ادراک‌شده بر سبک‌های هویت از طریق خودکارآمدی عمومی بود. این نتیجه نشان می‌دهد که بخشی از اثر والدگری بر هویت از طریق تقویت احساس توانمندی نوجوان منتقل می‌شود. این یافته با پژوهش‌هایی که خودکارآمدی را به‌عنوان سازوکار واسطه‌ای اثر والدگری شناسایی کرده‌اند همسوس است (Bi et al., 2022; Hayek et al., 2022; Zhang et al., 2026). همچنین، یافته‌های مربوط به حمایت از نیازهای روان‌شناختی نشان می‌دهند که اثر محیط‌های حمایتی زمانی به پیامدهای مطلوب تبدیل می‌شود که به منابع درونی مانند احساس شایستگی و انگیزش تبدیل گردد (Basileo et al., 2024; Costa et al., 2019). در همین راستا، حمایت ادراک‌شده از خودمختاری می‌تواند از طریق ارضای نیازهای بنیادین، پایداری رفتارهای خودتعیین‌شده را افزایش دهد (Li et al., 2025).

بنابراین، می‌توان گفت والدگری مثبت به‌تنهایی هویت سازگارانۀ ایجاد نمی‌کند، بلکه ابتدا شرایطی را فراهم می‌سازد که نوجوان خود را فردی مؤثر و دارای قدرت انتخاب بداند. این احساس عاملیت سپس موجب می‌شود نوجوان مسئولیت فرایند هویت‌یابی خود را بر عهده گیرد، گزینه‌ها را بررسی کند و در برابر دشواری‌های تصمیم‌گیری پایداری بیشتری نشان دهد. در مقابل، والدگری منفی یا کنترل‌گر ممکن است از طریق کاهش احساس شایستگی، نوجوان را به اجتناب از تصمیم‌گیری یا وابستگی شدید به نظرات دیگران سوق دهد. یافته‌های مرتبط با والدگری منفی و خودکارآمدی در تنظیم هیجان نیز این سازوکار را تأیید می‌کنند (Di et al., 2022). از این رو، خودکارآمدی را می‌توان حلقه شناختی-انگیزشی مهمی دانست که منابع حمایتی خانواده را به شیوه‌های سازگارانۀ تر هویت‌یابی تبدیل می‌کند.

همچنین، اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری بر سبک‌های هویت از طریق جدایی روان‌شناختی معنادار بود. این یافته بیانگر آن است که والدگری حمایت‌کننده با تسهیل تفرد و استقلال سالم، شرایط لازم برای پردازش مستقل اطلاعات هویتی را ایجاد می‌کند. والدینی که حق انتخاب نوجوان را محترم می‌شمارند، به او اجازه می‌دهند مرزهای روان‌شناختی خود را تثبیت کند و در نتیجه نوجوان می‌تواند بدون نگرانی مفرط از رد شدن توسط خانواده، ارزش‌ها و اهداف شخصی را ارزیابی کند. این الگو با یافته‌های مطالعات مربوط به استقلال و حمایت از خودمختاری

همخوانی دارد (Ma et al., 2025; Suryani & Y, 2024; Teuber et al., 2022). همچنین، شواهد مربوط به رابطه حمایت از خودمختاری با پایداری رفتار و احساس خودفرمانی از این تفسیر حمایت می‌کنند (Li et al., 2025).

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر از یک الگوی چندمسیره حمایت می‌کنند که در آن سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده هم به صورت مستقیم و هم از طریق دو سازوکار درون فردی و تحولی، یعنی خودکارآمدی عمومی و جدایی روان‌شناختی، بر هویت نوجوانان اثر می‌گذارند. این نتیجه با نگاه پویا به والدگری هماهنگ است که اثر خانواده را حاصل تعامل پیچیده میان رفتار والدین، ادراک نوجوان و پاسخ‌های شناختی و رفتاری او می‌داند (Soenens & B, 2025). از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهند که حمایت از خودمختاری و شایستگی را نباید به عنوان دو فرایند جداگانه تلقی کرد؛ نوجوان زمانی بیشترین ظرفیت را برای شکل‌دهی هویت منسجم پیدا می‌کند که هم احساس کند قادر به مواجهه با چالش‌هاست و هم آزادی روان‌شناختی لازم برای تصمیم‌گیری مستقل را در اختیار دارد. چنین الگویی با شواهد مربوط به ارتباط والدگری، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سازگاری نوجوانان همخوان است (Benito-Gomez et al., 2020; Costa et al., 2019). بنابراین، یافته‌های این پژوهش علاوه بر تأیید نقش مستقیم خانواده، اهمیت سازوکارهای واسطه‌ای را در درک فرایند هویت‌یابی نوجوانان برجسته می‌سازد.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرند. نخست، ماهیت مقطعی مطالعه امکان استنباط قطعی روابط علی را محدود می‌کند و جهت روابط مشاهده‌شده ممکن است در طول زمان پیچیده‌تر یا دوسویه باشد. دوم، تمامی متغیرها با ابزارهای خودگزارشی سنجیده شدند و بنابراین احتمال سوگیری پاسخ‌دهی، مطلوبیت اجتماعی و واریانس روش مشترک وجود دارد. سوم، نمونه پژوهش به دانش‌آموزان مقاطع متوسطه شهر تهران محدود بود و تعمیم نتایج به نوجوانان سایر مناطق جغرافیایی، نوجوانان خارج از نظام آموزشی یا گروه‌های دارای شرایط خانوادگی خاص باید با احتیاط انجام شود. چهارم، اگرچه ادراک رفتار مادر و پدر در سازه کلی فرزندپروری لحاظ شد، اثرات مستقل هر یک از ابعاد حمایت از خودمختاری، گرمی و درگیری والدین و نیز تفاوت‌های احتمالی میان نقش مادر و پدر به طور جداگانه در مدل نهایی بررسی نشد. همچنین، متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی نوجوان، کیفیت رابطه با همسالان، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و ساختار خانواده ممکن است بر روابط مشاهده‌شده اثرگذار باشند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی، مدل‌های با تأخیر متقاطع و مطالعات چندموجی استفاده کنند تا جهت و پویایی زمانی روابط میان سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی، جدایی روان‌شناختی و هویت با دقت بیشتری بررسی شود. استفاده از داده‌های چندمنبعی شامل گزارش والدین، معلمان و مشاهده مستقیم تعاملات خانوادگی می‌تواند اعتبار یافته‌ها را افزایش دهد. همچنین، بررسی جداگانه ابعاد والدگری مادر و پدر و مقایسه اثرات حمایت از خودمختاری، گرمی، درگیری و کنترل روان‌شناختی می‌تواند تصویر دقیق‌تری از سازوکارهای خانوادگی فراهم سازد. آزمون مدل در گروه‌های فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی متفاوت و مقایسه دختران و پسران نیز می‌تواند به روشن شدن نقش عوامل زمینه‌ای کمک کند. علاوه بر این، بررسی متغیرهایی مانند تنظیم هیجان، عزت‌نفس، جهت‌گیری آینده، حمایت همسالان، تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به عنوان میانجی یا تعدیل‌کننده می‌تواند مدل نظری پژوهش را توسعه دهد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که برنامه‌های آموزشی والدین باید بر ایجاد تعادل میان حمایت و استقلال تمرکز کنند. والدین می‌توانند با واگذاری مسئولیت‌های متناسب با سن، فراهم کردن امکان انتخاب، پذیرش اشتباه‌های نوجوان به عنوان بخشی از فرایند یادگیری و اجتناب از کنترل روان‌شناختی یا مداخلات افراطی، زمینه رشد خودکارآمدی و استقلال روان‌شناختی را فراهم سازند. در مدارس نیز می‌توان برنامه‌های ارتقای خودکارآمدی، مهارت حل مسئله، تصمیم‌گیری، خودشناسی و کاوش هویتی را در قالب کارگاه‌های آموزشی و مشاوره‌ای اجرا کرد. مشاوران خانواده و مدارس باید در مداخلات خود علاوه بر اصلاح الگوهای ارتباطی خانواده، بر تقویت احساس شایستگی نوجوان و آموزش شیوه‌های استقلال سالم تأکید کنند. همچنین، طراحی برنامه‌های مشترک خانواده-مدرسه می‌تواند به والدین و نوجوانان کمک کند تا استقلال

را نه به عنوان نافرمانی یا گسست، بلکه به عنوان فرایندی تدریجی برای رشد مسئولیت‌پذیری، خودراهبری و شکل‌گیری هویت منسجم درک کنند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Adolescence represents a critical developmental period characterized by rapid cognitive, emotional, interpersonal, and social changes. During this stage, individuals are expected to accomplish several major developmental tasks, among which identity formation and the achievement of psychological independence from parents are particularly important. Identity development involves constructing a coherent sense of self, clarifying personal values and goals, and developing relatively stable commitments regarding future roles and life directions. Psychological separation, in turn, refers to the gradual development of emotional, attitudinal, behavioral, and conflict-related independence from parents while maintaining adaptive family relationships. Contemporary developmental perspectives emphasize that healthy autonomy should not be equated with emotional detachment or rejection of parental relationships; rather, autonomy reflects volitional functioning, self-directed decision-making, and the establishment of appropriate psychological boundaries while preserving meaningful interpersonal connectedness (Benito-Gomez et al., 2020; Ma et al., 2025; Soenens et al., 2017). Family relationships constitute one of the most influential developmental contexts shaping these processes. In particular, adolescents' perceptions of parenting behaviors may substantially affect how they evaluate themselves, approach developmental challenges, and process identity-related information. Parenting characterized by warmth, involvement, and autonomy support provides adolescents with opportunities to make age-appropriate choices, express personal viewpoints, practice independent problem solving, and experience emotional acceptance. By contrast, psychologically controlling or excessively intrusive parenting may restrict adolescents' opportunities to exercise agency and may interfere with their transition toward independent psychological functioning. Recent research has therefore emphasized the importance of considering adolescents as active agents who cognitively interpret and respond to parenting practices rather than as passive recipients of parental influence (Soenens & B, 2020, 2025). Evidence also indicates that autonomy-supportive parenting is associated with healthier psychological development, whereas overinvolved or helicopter parenting may be associated with compromised independence and psychological well-being (Ahmed & F. L., 2023; Oad et al., 2023; Teuber et al., 2022).

Parenting practices are also closely associated with identity development. Supportive family environments can create a psychologically safe context in which adolescents are able to explore beliefs, goals, educational plans, and interpersonal values without excessive fear of rejection or criticism. In contrast, high levels of parental control may encourage passive conformity to external expectations or avoidance of identity-related decision-making. Previous studies have demonstrated significant relationships between parenting styles and adolescents' identity development and identity-processing styles (Ibad et al., 2023; Jimoh et al., 2020). Moreover, parenting and coparenting processes have been shown to contribute to personal identity formation during adolescence (Albert Sznitman et al., 2019), whereas excessive parental control may interfere with adolescents' ability to construct an autonomous and coherent identity (Ghosh & K, 2026).

Nevertheless, the effects of parenting on adolescent development are unlikely to operate exclusively through direct pathways. General self-efficacy may represent an important cognitive-motivational mechanism through

which supportive parenting is translated into adaptive developmental outcomes. Self-efficacy reflects individuals' beliefs about their capacity to organize and successfully perform actions required to manage challenges and achieve desired outcomes. Adolescents who perceive their parents as supportive and autonomy-promoting are more likely to have opportunities for mastery, receive encouraging feedback, and develop confidence in their ability to cope independently. Empirical findings have shown that parenting styles predict adolescents' self-efficacy and subjective well-being (Pavicevic & M. S, 2021), while perceived parental autonomy support and involvement are associated with stronger adolescent self-efficacy (Miller, 2019). Authoritative and supportive parenting may also contribute to achievement and resilience partly through self-efficacy mechanisms (Hayek et al., 2022; Shengyao et al., 2024). Conversely, negative parenting can undermine self-efficacy and contribute to poorer psychological adjustment (Di et al., 2022).

Self-efficacy may subsequently influence identity formation because identity development requires active exploration, persistence, decision-making, tolerance of ambiguity, and confidence in one's ability to manage the consequences of personal choices. Evidence suggests that self-efficacy is associated with important domains of identity, including vocational and career identity (Lee & H, 2024; Turda, 2024), while general self-efficacy has also been linked with identity-related processes among adolescents in different social contexts (Lai et al., 2022). Furthermore, research has supported the mediating role of self-efficacy in associations between parental autonomy granting and adolescent adjustment (Bi et al., 2022), as well as between parenting and interpersonal psychological outcomes (Zhang et al., 2026).

Psychological separation may represent another developmental mechanism connecting parenting with identity. Supportive parenting may facilitate the establishment of healthy psychological boundaries, whereas controlling parenting may intensify dependence, conflict, or emotionally reactive separation. Studies have demonstrated meaningful associations between parenting styles and adolescent independence or emotional autonomy (Mousavi et al., 2024; Suryani & Y, 2024). From a psychological needs perspective, parenting practices that support autonomy and competence are also associated with better adjustment because they facilitate satisfaction of adolescents' basic psychological needs (Costa et al., 2019). Perceived autonomy support has similarly been linked to stronger self-directed motivation and persistence in adolescent behavior (Li et al., 2025). Thus, psychological separation may not only be an outcome of supportive parenting but may also provide adolescents with the psychological space necessary for independent identity exploration.

Although previous studies have examined relationships among parenting, self-efficacy, autonomy, and identity, these variables have often been investigated separately or through limited bivariate models. Relatively little attention has been given to testing an integrated structural model in which perceived parenting simultaneously predicts identity styles and psychological separation while self-efficacy and psychological separation operate as mediating mechanisms. Accordingly, the present study aimed to test a causal structural model of the effects of perceived parenting styles on adolescents' identity styles and psychological separation, with particular emphasis on the mediating roles of general self-efficacy and psychological separation.

Methods and Materials

The study employed a descriptive-correlational design using structural equation modeling. The statistical population consisted of male and female students enrolled in Grades 7 through 12 in public and non-public secondary schools in Tehran during the 2025–2026 academic year. An a priori statistical power analysis indicated that a minimum sample of 230 participants was required. To compensate for incomplete responses and potential attrition, 290 questionnaires were distributed using stratified multistage cluster sampling. After screening the returned questionnaires and excluding 27 incomplete or invalid cases, data from 263 students were retained for final analysis.

Participants were selected from multiple educational districts, schools, grade levels, and both genders. Eligibility criteria included being 12–18 years old, enrollment in one of Grades 7–12, living with at least one

parent, and providing informed consent. Cases with more than 10% missing responses or clearly distorted or invariant response patterns were excluded.

The research instruments included the Perceived Parenting Scale, which assesses parental involvement, warmth, and autonomy support separately for mothers and fathers; the 10-item General Self-Efficacy Scale; the Psychological Separation Inventory assessing conflictual, emotional, attitudinal, and functional independence; and Berzonsky's Identity Style Inventory assessing informational, normative, diffuse-avoidant, and commitment-related identity orientations. Internal consistency coefficients and confirmatory factor analyses supported the reliability and construct validity of the measures in the present sample.

Descriptive statistics, skewness, kurtosis, and Pearson correlations were calculated using SPSS version 26. Structural relationships were examined through structural equation modeling. Model fit was evaluated using the chi-square/degrees-of-freedom ratio, Comparative Fit Index, Tucker–Lewis Index, Root Mean Square Error of Approximation, and Standardized Root Mean Square Residual. Indirect effects were assessed using bootstrapping with 5,000 resamples.

Findings

The final sample consisted of 263 adolescents with a mean age of 14.99 years ($SD=1.89$), ranging from 12 to 18 years. The sample included 136 girls, 122 boys, and five participants with unreported gender. Preliminary analyses showed that skewness and kurtosis values for all major study variables were within acceptable ranges, supporting the assumption of approximate univariate normality.

Pearson correlation analysis indicated significant positive relationships among perceived parenting, general self-efficacy, psychological separation, and identity styles. General self-efficacy was positively correlated with psychological separation from mothers ($r=0.284$, $p<0.001$), psychological separation from fathers ($r=0.327$, $p<0.001$), and overall identity styles ($r=0.222$, $p<0.001$). Informational identity style and identity commitment were positively associated with self-efficacy, whereas diffuse-avoidant identity style showed negative relationships with positive parenting and self-efficacy.

The measurement model demonstrated adequate psychometric properties. Standardized factor loadings for maternal and paternal perceived parenting were 0.84 and 0.86, respectively. For identity styles, standardized loadings were 0.74 for informational style, 0.78 for identity commitment, 0.62 for normative style, and -0.64 for diffuse-avoidant style. Standardized loadings for the psychological separation dimensions ranged from 0.71 to 0.79. Cronbach's alpha coefficients ranged from 0.81 to 0.89, composite reliability values ranged from 0.85 to 0.91, and average variance extracted values ranged from 0.52 to 0.58.

The structural model demonstrated a very good fit to the observed data: $\chi^2=187.335$, $df=148$, $\chi^2/df=1.266$, $CFI=0.978$, $TLI=0.974$, $RMSEA=0.032$, and $SRMR=0.050$. Perceived parenting had a significant positive direct effect on general self-efficacy ($\beta=0.376$, $SE=0.055$, $t=6.823$, $p<0.001$), psychological separation ($\beta=0.482$, $SE=0.062$, $t=7.721$, $p<0.001$), and identity styles ($\beta=0.349$, $SE=0.081$, $t=4.328$, $p<0.001$). General self-efficacy significantly predicted identity styles ($\beta=0.173$, $SE=0.071$, $t=2.452$, $p=0.014$), and psychological separation also had a significant direct effect on identity styles ($\beta=0.194$, $SE=0.076$, $t=2.535$, $p=0.011$).

Bootstrapping confirmed two significant indirect pathways. The indirect effect of perceived parenting on identity styles through general self-efficacy was significant ($\beta=0.065$, $SE=0.034$, $p=0.040$). The indirect effect of perceived parenting on identity styles through psychological separation was also significant ($\beta=0.093$, $SE=0.042$, $p=0.020$). Thus, both general self-efficacy and psychological separation partially mediated the association between perceived parenting and adolescents' identity styles.

Discussion and Conclusion

The findings support an integrated developmental model in which perceived parenting influences adolescent identity through both direct and indirect pathways. Adolescents who perceived their parents as warmer, more involved, and more supportive of autonomy reported stronger general self-efficacy, healthier psychological

separation, and more adaptive identity development. These results suggest that supportive parenting creates both an interpersonal context and an intrapersonal resource system that facilitates successful navigation of central adolescent developmental tasks.

The significant association between perceived parenting and self-efficacy can be explained by the opportunities supportive parents provide for independent decision-making, mastery experiences, problem solving, and constructive feedback. When adolescents are permitted to make meaningful choices and experience the consequences of those choices within a supportive environment, they are more likely to develop confidence in their capacity to manage challenges. In contrast, excessive parental control may communicate that adolescents are not sufficiently competent to act independently.

The significant effect of parenting on psychological separation further indicates that healthy independence is more likely to develop in relational environments characterized by support rather than coercion. Autonomy-supportive parenting appears to enable adolescents to establish emotional, behavioral, and attitudinal boundaries without necessarily weakening family attachment. Psychological separation should therefore be understood as a reorganization of the parent-adolescent relationship rather than a simple withdrawal from parental influence.

The direct effects of self-efficacy and psychological separation on identity styles additionally highlight two distinct but complementary developmental mechanisms. Self-efficacy provides adolescents with the cognitive and motivational confidence necessary to explore alternatives, make decisions, and tolerate uncertainty. Psychological separation provides the interpersonal and psychological space needed to evaluate beliefs and goals without excessive dependence on parental approval. Together, these mechanisms help adolescents move toward more deliberate and coherent identity formation.

The significant mediation effects provide the most important contribution of the study. Parenting appears to affect identity partly because supportive family experiences strengthen adolescents' perceptions of personal competence and facilitate healthy individuation. Thus, positive parenting does not merely transmit values or prescribe appropriate identity choices; it equips adolescents with the psychological capacities required to participate actively in constructing their own identity.

In conclusion, the study demonstrates that perceived parenting styles constitute an important contextual determinant of adolescent identity and psychological independence. General self-efficacy and psychological separation function as meaningful mediating mechanisms through which supportive parenting contributes to adaptive identity development. Interventions designed to improve adolescent adjustment should therefore address both family interaction patterns and adolescents' internal psychological resources. Promoting parental warmth, appropriate involvement, autonomy support, self-efficacy, and healthy psychological differentiation may provide a comprehensive pathway for facilitating coherent identity formation and adaptive transition toward adulthood.

References

- Ahmed, & F. L, M. (2023). Relationship between helicopter parenting and psychological wellbeing in college students. *International Journal of Social Research & Innovation*, 7(1), 49-70.
- Albert Sznitman, G., Van, P., & S, Z. (2019). Exposing the role of coparenting and parenting for adolescent personal identity processes. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36(4), 1233-1255.
<https://doi.org/10.1177/0265407518757707>
- Basileo, L. D., Otto, B., Lyons, M., Vannini, N, T., & M, D. (2024). The role of self-efficacy, motivation, and perceived support of students' basic psychological needs in academic achievement. *Frontiers in Education*.
<https://doi.org/10.3389/feduc.2024.1385442>
- Benito-Gomez, M., Williams, K. N., McCurdy, A, F., & A, C. (2020). Autonomy-supportive parenting in adolescence: Cultural variability in the contemporary United States. *Journal of Family Theory & Review*, 12(1), 7-26.
<https://doi.org/10.1111/jftr.12362>

- Bi, X., Wang, & S, J. (2022). Parental autonomy granting and adolescents' life satisfaction: The mediating roles of emotional self-efficacy and future orientation. *Journal of Happiness Studies*, 23(5), 2113-2135. <https://doi.org/10.1007/s10902-021-00486-y>
- Costa, S., Sireno, S., Larcán, & R, C. (2019). The six dimensions of parenting and adolescent psychological adjustment: The mediating role of psychological needs. *Scandinavian journal of psychology*, 60(2), 128-137. <https://doi.org/10.1111/sjop.12507>
- Di, G., L, L., C, G., G, R., W, A, L., J, E, E., N, P., C, B., E, F., & I, T. (2022). Negative parenting, adolescents' emotion regulation, self-efficacy in emotion regulation, and psychological adjustment. *International journal of environmental research and public health*, 19(4), 2251. <https://doi.org/10.3390/ijerph19042251>
- Ghosh, & K, T. (2026). Perceived Influence of Parental Control on Adolescents and Young Adults in Identity Formation. *International Journal of Interdisciplinary Approaches in Psychology*, 4(4), 644: 681-644: 681.
- Hayek, J., Schneider, F., Lahoud, N., Tueni, & M, D. V. (2022). Authoritative parenting stimulates academic achievement, also partly via self-efficacy and intention towards getting good grades. *PLoS One*, 17(3), e0265595. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0265595>
- Ibad, M. R., Widowati, S., Arfianto, M. A., Fikri, Z, R., & A, A. (2023). The relationship between parenting style with adolescent identity development in Karangploso district, Malang regency Indonesia. *Jurnal Keperawatan*, 14(1), 11-16. <https://doi.org/10.22219/jk.v14i01.23156>
- Jimoh, G., Eni-Olorunda, J., Adubi, & K, A. (2020). Assessment of parenting styles on identity style development among students in public senior secondary schools in Ogun State. *International Journal of Family and Consumer Sciences*, 9, 65-73.
- Lai, A. H. Y., Chui, C. H. k., Wong, J. K. Y., Leung, & C. T. C, C. (2022). Ethnic identity, perceived classmate support and general self-efficacy in ethnic minority adolescents in rural Chinese school settings. *Children and Youth Services Review*, 137, 106486. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2022.106486>
- Lee, & H, L. (2024). Career identity among children leaving out-of-home care: Implications on Self-Esteem and Self-Efficacy. *Children and Youth Services Review*, 162, 107727. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107727>
- Li, X., Zhu, J., Yu, & H, L. (2025). Effect of perceived autonomy supports on exercise persistence for adolescents: an integrated model based on basic psychological needs theory and the theory of planned behavior. *Frontiers in psychology*, 16, 1692940. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1692940>
- Ma, D., Cheung, & R. Y, C. (2025). Parenting approaches and feelings of autonomy among adolescents in two cultures. *International Journal of Behavioral Development*, 01650254251392364. <https://doi.org/10.1177/01650254251392364>
- Miller, M. N. (2019). *Adolescent perceptions of parental autonomy support and involvement: Outcomes on adolescent self-efficacy* [George Fox University].
- Mousavi, S., Shahsavari, M. R, M., & Z, S. (2024). The Associations between Parenting Styles, Family Power Structure, and Students' Emotional Autonomy with the Mediating Role of Parent-Adolescent Relationship. *Social Determinants of Health*, 10.
- Oad, L., Zaidi, S. S, P., & S. A, J. (2023). Helicopter Parenting and its Influence on the Children in Pakistan: Thematic Analysis. *Spry Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(2).
- Pavicevic, & M. S, L. Z. (2021). Parenting styles as predictors of adolescents' self-efficacy and subjective well-being. *The New Educational Review*, 65, 29-39. <https://doi.org/10.15804/ner.21.65.3.02>
- Shengyao, Y., Salarzadeh Jenatabadi, H., Mengshi, Y., Mingqin, C., Xuefen, & L, M. (2024). Academic resilience, self-efficacy, and motivation: the role of parenting style. *Scientific reports*, 14(1), 5571. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-55530-7>
- Soenens, & B, V. (2020). Taking adolescents' agency in socialization seriously: The role of appraisals and cognitive-behavioral responses in autonomy-relevant parenting. *New directions for child and adolescent development*, 2020(173), 7-26. <https://doi.org/10.1002/cad.20370>
- Soenens, & B, V. (2025). Studying parenting in adolescence from a dynamic perspective: the case of autonomy-supportive and controlling parenting. *European Journal of Developmental Psychology*, 22(2), 142-167. <https://doi.org/10.1080/17405629.2023.2282647>
- Soenens, B., Vansteenkiste, M., Van, P., S, B., & W, R. (2017). How to solve the conundrum of adolescent autonomy. *Autonomy in adolescent development: Towards conceptual clarity*, 1-32. <https://doi.org/10.4324/9781315636511-1>
- Suryani, & Y, N. (2024). Assessing the Impact of Parenting Styles on Teen Independence in Rural Contexts. *Jurnal Ilmiah Profesi Pendidikan*, 9(2), 1068-1075. <https://doi.org/10.29303/jipp.v9i2.2248>
- Teuber, Z., Tang, X., Sielemann, L., Otterpohl, & N, W. (2022). Autonomy-related parenting profiles and their effects on adolescents' academic and psychological development: A longitudinal person-oriented analysis. *Journal of youth and adolescence*, 51(7), 1333-1353. <https://doi.org/10.1007/s10964-021-01538-5>

- Turda, E. S. (2024). The relationship between personality factors, vocational identity and career decision-making self-efficacy. *International Journal for Research in Vocational Education and Training (IJRVET)*, 11(1), 55-75. <https://doi.org/10.13152/IJRVET.11.1.3>
- Zhang, L., Jiang, Y., Xu, & M, Z. (2026). Parenting style and interpersonal distress among adolescent Chinese boarding students: a serial mediation model via self-efficacy and social support. *International Journal of Adolescence and Youth*, 31(1), 2609495. <https://doi.org/10.1080/02673843.2025.2609495>